

خانواده
مبلغان ۱۴

ماهنامه اطلاع‌رسانی، علمی، آموزشی
سال دوم - شماره ۱۴ - دی ماه ۱۴۰۲

صدای انتقال معارف نسل و خانواده‌دلی

آسیب‌های فضای مجازی‌ات را بشناس (۹)

بازی با هویت زن در دنیای غرب

مهارت‌های دعوت فرزندان به نماز

زهن‌های سرگردان (۱)

آزادی یا اسارت؟!

مادر
فطرت
لطیف‌ترین گل هستی

مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ

خانواده مبلغان

مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ

دی ماه ۱۴۰۲ ش

۱۴

تا کسی که نبود همیشه کم نمی‌شود

از قول شهید [سلیمانی] نقل شد، در یک سخنرانی گفته بود که کسی که شهید زندگی کند، شهید می‌شود؛ و آن جور زندگی کرد؛ واقعاً شهید زندگی کرد؛ شهیدانه زندگی کرد.

بهر انقلاب | ۱۳/۱۰/۱۴۰۲

شهید سلیمانی
در حال پرستاری از
جانبا ز قطع نخاعی
شهید "ناصر توبه‌ای‌ها"
در دوران پس از دفاع مقدس



mobaleghankhanvade.ismc.ir





خانواده مبلغان ۱۴

ماهنامه اطلاع‌رسانی، علمی، آموزشی
سال دوم - شماره ۱۴
دی ماه ۱۴۰۲ شمسی

شناسنامه

۱. مطالب «خانواده مبلغان» ویژه همسران و فرزندان طلاب و مبلغان است.
 ۲. مسئولیت مقالات و نوشته‌ها بر عهده نویسندگان است.
 ۳. مقالات و یادداشت‌های همه نویسندگان، به شرط برخورداری از موازین تبلیغی- پژوهشی، منتشر می‌شود.
 ۴. نقل مطالب یا ذکر منبع مجاز است.
 ۵. ماهنامه در تلخیص و ویرایش مقالات و نوشته‌ها، آزاد است.
 ۶. با ارسال نظرات خود، ما را در رشد و بالندگی ماهنامه یاری نمایید.
- صاحب امتیاز: مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ
 - مدیرمسئول: محمود مقدمی
 - سردبیر: جواد قراباغی
 - هیئت تحریریه: حسین ملازوری، اصغر اخوی، مهدی هادی، علی ملکوتی‌نیا، علیرضا زنگویی، جواد قراباغی، محمد حامد مبینی راوندی، هاجر شعبانی، موسی کلایه، سیده منیر سید تقی، رضیه جبرئیل‌زاده، زینب رحیمی تالاریشی.
 - مدیر اجرایی: احمد اسماعیلی
 - مدیر هنری و صفحه‌آرا: سید محسن حسینی

فهرست

پیام فرمانده (حضور نمایان زنان فعال در جبهه انقلاب) ۳

صدای انتقال معارف نسلی و خانوادگی ۴

دانش افزایی

آزادی یا اسارت؟! ۸

همراهان ۹ (محبوبه هستی) ۱۱

حاج آقای مشکل گشا ۱۰ (انتخابات) ۱۶

محدوده‌ی حیا در روابط خانوادگی ۶ (چراغ راهنمای تربیت ۲) ۲۱

آسیب‌های فضای مجازی‌ات را بشناس (روابط اعضای خانواده ۳) ۲۵

بسته ضروری‌ه ۱۰ ۲۹

توانتخاب‌خدایی ۳۳

خاطرات یک مشاور ۴ (قدرت همانندسازی) ۴۱

چی بخونیم؟ (مهارت‌های دعوت فرزندان به نماز) ۴۳

قصه‌های من و مادر بزرگ ۷ ۴۸

بازی - گوشی ۷ ۵۲

مهارت افزایی

ذهن‌های سرگردان (۱) ۵۴

القیای تربیت ۲ (مسائل والدین در مسیر تربیت صحیح فرزندان) ۵۹

صدای مشاور (۱) ۶۴

بصیرت افزایی

بازی با هویت زن در دنیای غرب ۶۷

پیام فرمانده

حضور نمایان زنانِ فعال در جبههٔ انقلاب



زنان فعال در جبههٔ انقلاب، یک روزی نقش‌آفرینی برجسته‌ای کردند - هم اندکی پیش از پیروزی انقلاب، هم در اوایل انقلاب، هم در دوران جنگ تحمیلی - و از خودشان حضور نمایی نشان دادند؛ نگذارید حضور نمایان زنان فعال در جبهه‌ی انقلاب کمرنگ بشود. دیگران در مواجههٔ با انقلاب و معارضهٔ با انقلاب، سعی می‌کنند از عنصر زن و زنان کارآمد استفاده کنند؛ جبههٔ انقلاب، زنان کارآمد و فعال و زبان‌آور و نویسنده و عالِم و دانشمند به مراتب بیشتر دارد؛ خانم‌هایی که اهل اقدام‌اند، اهل فکرند، اهل نگارش و نویسندگی‌اند، اهل سخن گفتن‌اند، اهل فکر دادن‌اند، صحنهٔ انقلاب و دفاع از انقلاب را خالی نگذارند!

پی‌نوشت

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی ۱۳۹۲/۲/۲۱.



جواد قراباغی - سردبیر

صدای انتقال معارف نسلی و خانوادگی

بسیاری از دانسته‌های دینی مردم ایران، از زبان و رفتار «پدران و مادران آن‌ها» به ایشان منتقل شده است. در گذشته، «پدرها و مادرها» خیلی چیزها را به بچه‌هایشان یاد می‌دادند که ثمره‌اش این است که فرزندان جامعه اسلامی «بریده و بی‌ریشه و تنها و بی‌عاطفه» بار نیامده‌اند. اما این سنت در فضای کنونی، با ظهور رسانه‌های معاند داخلی و خارجی، کم‌رنگ شده و در انزوا قرار گرفته است. از این رو، رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام در دیدار با

مبلغان و طلاب حوزه‌های علمیه سراسر کشور، ضمن تذکر متفاوت بودن مخاطب گذشته با امروز به دلیل تغییر سطح فکر و دانش آن‌ها، به آفت مهمی که ارکان تربیت دینی در خانواده را هدف گرفته است اشاره کردند و فرمودند: «یک آفتی هم وجود دارد و آن اینکه در این آشفته‌بازار صداهای مختلف فضای مجازی و تکثر رسانه‌ای که وجود دارد، در این صداهای گوناگون، یک صدا در انزوا قرار گرفته و آن، صدای انتقال معارف نسلی و خانوادگی است.»

یکی از بهترین و کارآمدترین نوع تربیت‌ها، تربیت نسلی و خانوادگی است؛ همان سنت ارزشمندی که آموزه‌های دینی و معرفتی را به وسیله پدران و مادران به فرزندان منتقل می‌کند. خداوند متعال خطاب به پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ»^۲ (و خانواده‌ات را به نماز فرمان بده.)

این امر خداوند نشان از اهمیت بیان معارف دینی از طریق بزرگ‌ترها دارد. اگر غیر از این بود، پیامبر اسلام ﷺ به صورت عمومی همه را به نماز دعوت می‌کردند. بنابراین، آموزش ارکان، اذکار و آداب نماز به عنوان یکی از اعمال عبادی مهم و کلیدی، از شواهد ملموس انتقال معارف نسلی و خانوادگی در جوامع اسلامی است. از این رو، خانواده‌های مؤمن با تاسی به پیامبر اسلام ﷺ همیشه فرزندان‌شان را به نماز سفارش می‌کردند و فرزندان معمولاً اولین بار نماز را در خانه و از والدین فرامی‌گرفتند.

لقمان حکیم در یکی از سفارش‌های مهم به فرزندش می‌فرماید: «يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»^۳ (ای پسر من! به خدا شرک نوز، بی تردید شرک ستمی بزرگ است.) البته ایشان در ظاهر فرزندش را از شریک قرار دادن برای خداوند که ظلم بزرگی است نهی می‌کند؛ اما در باطن به جبهه توحید راهنمایی می‌کند که «یک شناخت عمل‌زا و زندگی‌ساز است.»

امیرالمؤمنین علی عليه السلام به فرزندشان، امام حسن مجتبی عليه السلام، می‌فرماید: «يَا بُنَيَّ إِنِّي قَدْ أَنْبَأْتُكَ عَنِ الدُّنْيَا وَحَالِهَا وَزَوَالِهَا وَائْتِقَاهَا وَأَنْبَأْتُكَ عَنِ الْآخِرَةِ وَمَا أُعَدُّ لِأَهْلِهَا فِيهَا وَصَرَبْتُ لَكَ فِيهِمَا الْأَمْثَالَ لِتَعْتَبِرَ بِهَا وَتَحْتَدَوْا عَلَيْهَا؛ ای پسر من تو را از دنیا و تحولات گوناگونش، نابودی و دست به دست گردیدنش آگاه کردم و از آخرت و آنچه برای انسان‌ها در آنجا فراهم است اطلاع دادم و برای هر دو مثال‌ها زدم، تا پندپذیری و راه و رسم زندگی بیاموزی.»^۴ استفاده حضرت از

واژه «يَا بَنِيَّ» نشان می‌دهد فضای نصیحت کاملاً پدر و فرزند است و این اثبات می‌کند انتقال معارف نسلی، حتی اگر در قالب وصیت‌نامه باشد، لازم و ضروری است.

روایات بسیاری از زندگی حضرت زهرا علیها السلام وجود دارد که ایشان به صورت عملی معارف دینی را به فرزندان خود آموزش می‌دادند؛ از جمله می‌توان به ماجرای اشاره کرد که امام حسن مجتبی علیه السلام نقل کرده‌اند:

«رَأَيْتُ أُمَّيَ فَاطِمَةَ عَلَيْنَا السَّلَامُ قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا لَيْلَةً جُمِعَتْهَا فَلَمْ تَزَلْ رَاكِعَةً سَاجِدَةً حَتَّى اتَّضَحَ عَمُودُ الصُّبْحِ وَ سَمِعْتُهَا تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ تُسَمِّيهِمْ وَ تُكثِرُ الدُّعَاءَ لَهُمْ وَ لَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا بِشَيْءٍ قُلْتُ لَهَا يَا أُمَّاهُ لِمَ لَا تَدْعِينَ لِنَفْسِكَ كَمَا تَدْعِينَ لِعَبْرِكَ فَقَالَتْ يَا بَنِيَّ الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ؛ مادرم،

فاطمه علیها السلام، را در شب جمعه دیدم که در محراب ایستاده بود و پیوسته رکوع و سجود می‌کرد تا عمود صبح ظاهر شد. و شنیدم که مؤمنین و مؤمنات را دعا می‌فرمود و نام می‌برد و ایشان را بسیار دعا

کرد و برای خود هیچ دعایی نکرد. به مادر گفتم: چرا برای خود هیچ دعایی نکردی، همچنان که برای غیر دعایم کردی؟ گفت: ای پسر کوچکم، اول همسایه، سپس خانه،^۵ ایشان به طور عملی نوع دوستی را به فرزندان خود آموزش می‌دادند و از کودکی این حس را در آنها شکوفا می‌کردند.

در گزارش دیگری آمده است: پیرمردی به خانۀ حضرت مراجعه و ابراز نیاز کرد. ایشان با وجود اینکه خود نیز در تنگ‌دستی به سر می‌بردند، با دادن هدیه او را خوشحال و راضی کردند.^۶ این رفتارها در مقابل دیدگان فرزندان است و آن‌ها با دیده جان می‌نگرند و در ضمیرشان ثبت می‌شود و روحشان را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ تا آنجا که آن‌ها نیز به تکرار رفتار والدین خود می‌پردازند. شاهد این مدعا شأن نزول سوره انسان است که امام حسن و امام حسین به همراه حضرت زهرا و حضرت علی علیهما السلام افطاری خود را انفاق کردند. قطعاً در این ماجرا

اجباری از جانب والدین برای انفاق نبود و فرزندان از روی اختیار چنین رفتاری را انجام دادند. در این ماجرا رفتار والدین تأثیرگذار و درس‌آموز بود و انگیزه رفتار کودکان را دوچندان کرد. تکرار این امور باعث رشد عواطف و احساسات کودک می‌شود؛ به‌گونه‌ای که او در دنیایی که منافع شخصی خط‌قرمز افراد است، با دیدی فرافردی به دیگران و دنیای پیرامون خود می‌نگرد. در نهایت، باید گفت انتقال معارف نسلی و خانوادگی همان‌طور که وظیفه‌ای دینی و الهی است، وظیفه اجتماعی نیز هست که در صورت عملی شدن آن، البته به‌صورت صحیح، آثار فراوان دارد:

اول) باعث افزایش عزت و آبروی دنیوی و سعادت اخروی والدین خواهد شد؛ دوم) باعث رشد و پیشرفت جامعه در ابعاد فرهنگی و دینی و حتی مادی می‌شود؛ زیرا مؤمنانی که ایمانشان واقعی است؛ یعنی همراه با تعهد عملی و همیشگی است و روحیه جهاد و ایثار در آن‌ها نمود دارد، قطعاً برای رشد و پیشرفت حکومت اسلامی در همه ابعاد تلاش خواهند کرد؛ سوم) نقشه شوم دشمنان اسلام و نظام اسلامی را برای ویران کردن یا دست‌کم سست کردن بنیان خانواده و به‌دنبال آن، استحاله فرهنگی جامعه اسلامی از درون، نقش بر آب خواهند کرد.

پی‌نوشت

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام در دیدار با مبلغان و طلاب حوزه‌های علمیه سراسر کشور، ۱۴۰۲/۴/۳۱.

۲. طه/۳۲.

۳. لقمان/۱۳.

۴. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۵. علل الشرایع، محمدبن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، کتاب فروشی دآوری، قم، ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۸۱، ح؛

کشف الغمّه فی معرفه الأئمه علیهم السلام، عیسی اربلی، نشر بنی هاشمی، تبریز، چاپ اول، ۱۳۸۱ش، ج ۱، ص ۴۶۸؛

دلائل الإمامه، محمدبن جریر طبری، بعثت، قم، ۱۴۱۳ق، ص ۵۶؛ بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، دار احیاء

التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۸۲، ح ۳.

۶. ر.ک: بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، ج ۴۳، ص ۵۶.



سیدمحمدحسین راجی - اندیشکده راهبردی شعراء

آزادی یا اسارت؟!

گفت: چرا زنان در ایران نباید مانند زن غربی آزادی داشته باشند؟
گفتم: در ابتدا باید پرسید: چه کسی گفته زنان در ایران آزادی ندارند؟ بلکه دستاوردهای ایران در حوزه زنان نشان دهنده فراهم شدن زمینه‌های پیشرفت همه‌جانبه آنان است.

اما اگر منظور از آزادی زنان در غرب، آزادی در پوشش و روابط و آن چیزهایی است که در فمینیسم تبلیغ می‌شود، باید گفت: در غرب نیز آزادی برای زنان وجود ندارد؛ بلکه دیکتاتوری رسانه‌ای و سبک زندگی تحمیل شده غربی توسط رسانه‌ها آنها

را مجبور می‌کند که آن‌گونه باشند؛ وگرنه مورد پذیرش واقع نمی‌شوند.

همچنین مشکلاتی که برای زنان از ناحیه همین آزادی و فمینیسم به وجود آمده، به وضوح نشان می‌دهد که در غرب آزادی زن معنا ندارد.

برخی از واقعیت‌های زندگی زن غربی

رشد سریع‌تر میزان خودکشی در زنان نسبت به مردان در آمریکا در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ با وجود اینکه آمار خودکشی در مردان نیز با میزان ۲۱ درصد در حال افزایش بود، افزایش این آمار برای بانوان نزدیک ۵۰ درصد بود!

گزارشی به نام «پارادوکس خوشبختی زنان» که توسط دفتر ملی تحقیقات اقتصادی^۱ منتشر شد می‌گوید: علی‌رغم بهبود شاخص‌های کمی سلامت، طی ۳۵ سال گذشته در آمریکا، شادی کلی ذهنی در میان زنان هم به‌طور مطلق و

هم به‌طور نسبی نسبت به شادی مردان کاهش یافته است.

پس از یک قرن آزادی زنان، وزارت بهداشت و خدمات انسانی آمریکا گزارش می‌دهد که از هر پنج زن آمریکایی بیش از یک نفر در طول زندگی خود به بیماری روانی مبتلا می‌شود. همچنین زنان دوبرابر بیشتر از مردان در معرض افسردگی قرار دارند.

مصرف بی‌رویه الکل در میان زنان آمریکایی بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۳ بیش از دوبرابر شده است.

موارد سندرم الکل جنینی در نوزادان تازه‌متولد شده از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۸ دوونیم برابر شده است.

بلایی که فمینیسم بر سر زنان غربی آورد این بود که به اسم آزادی و برابری زنان برخی از حقوق آن‌ها را حذف کرد. مثلاً:

ساعات کاری یا شرایط خاصی که به نفع زنان در برخی کشورها وضع شده

بود، به ضرر زنان تغییر کرد. طبق برخی قوانین، اجبار نیروی کار زن به برداشتن و جابه‌جایی بار بیش از یک وزن معین ممنوع بود؛ اما به اسم برابری زن و مرد این امتیازات زنان لغو شد.

▶ تشویق زنان به کسب شغل و استقلال مالی پروژه‌ای بود که توسط موج اول فمینیسم ترویج شد:

▶ با ترویج ضرورت کسب شغل توسط زنان، اشتغال اولویت بالاتری نسبت به ازدواج پیدا کرد. در سال ۲۰۲۰ به میزان ۷۰ درصد طلاق‌ها توسط زن صورت گرفته است که در میان زنان تحصیل‌کرده

دانشگاه، تعداد کسانی که دادخواست طلاق را آغاز می‌کنند، به ۹۰ درصد می‌رسد؛ چراکه آن‌ها در معرض تبلیغات فمینیستی بسیار بیشتری از طریق برنامه‌های مطالعات زنان و جنسیت هستند.

ظلم مهمی که یکی از نتایج اصلی این موج فمینیسم بود، تحمیل بار اقتصادی زندگی بردوش زنان بود:

اکنون سرپرست اقتصادی نیمی از خانواده‌های آمریکایی زنان هستند؛ یعنی فارغ از بحث شاغل بودن زنان، نیمی از خانواده‌ها مسئولیت تأمین مالی آن‌ها با زن است.^۳

پی‌نوشت

۱. <https://B2n.ir/g44479>

۲. National Bureau of Economic Research

۳. متن کامل این گزارش در دسترس است: <https://B2n.ir/j78923>



همراهان ۹

محبوبه هستی

محمدحسن خدای - دانش‌آموخته حوزه علمیه

خدا بر امامان عليهم السلام صحبت کند؟! مگر حروف و کلمات گنجایش دارند حبیبه پیامبر صلى الله عليه وآله و كفو علی عليه السلام و مظهر حیا و عفاف و رحمت خداوند را جلوه‌گر باشند؟! به راستی که فقط ائمه عليهم السلام فاطمه عليها السلام را می‌شناسند. اما باینکه هیچ‌گاه حق گفتن از فاطمه عليها السلام ادا نخواهد شد، باید از او گفت؛ زیرا او الگو و اسوه تمام مؤمنان است. مؤمنان همه وجودشان

نور آسمان و زمین، طاهره مطهره، آبروی شفاعت، محدثه، پاره جگر رسول صلى الله عليه وآله و مرهم دردهای علی عليه السلام، فاطمه زهرا عليها السلام. قلم‌ها در دم‌زدن از فاطمه عليها السلام ناتوان شده و زبان‌ها از ذکر این همه شکوه، به لکنت افتاده‌اند. مگر می‌شود کسی را وصف کرد که تمام خلقت دو جهان، بسته به یک تار موی اوست؟! مگر زبان توان دارد که از بهترین زنان عالم و حجت

نیازمند این سیره و روش زندگی است تا بکوشند فاطمی زندگی کنند، مانند او یاور امام زمانشان باشند و به رفتارهایشان رنگ و بوی صداقت و طهارت صدیقه طاهره بدهند؛ همان طور که امام زمان علیه السلام به ما یاد دادند و فرمودند: «فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ در دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله برای من اسوه نیکویی است.»

برکرانه مناقب

علم فاطمی

نامش فاطمه علیها السلام، مادرش خدیجه کبری علیها السلام و پدرش رسول خدا صلی الله علیه و آله است. پدر بزرگوارش خاتم پیامبران و اشرف اولاد آدم است و قرآن او را بهترین اسوه و الگو معرفی کرده است. مادرش اولین زنی بود که اسلام آورد و با تمام وجود، از اسلام حمایت کرد. کنیه مشهورش «أمّ آبیه» و لقب معروفش «زهرا علیها السلام» است. طبق قول اکثر مورخان، در پنجمین سال پس از بعثت به دنیا آمده است.^۲ رسول خدا صلی الله علیه و آله در خصوص نام گذاری اش فرمود: «إِنَّمَا سَمَّيْتُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ علیها السلام لِأَنَّ اللَّهَ فَطَمَهَا وَ فَطَمَ مَجْتَبِيهَا عَنِ النَّارِ؛ بی تردید، دخترم را "فاطمه علیها السلام" نام نهادم؛ زیرا قطعاً خداوند او و دوستدارانش را از آتش جهنم باز داشته است.»

علم بی نظیر فاطمه زهرا علیها السلام همه زبانها را به تمجید واداشته است. البته که او بهترین شاگرد معارف نبوی صلی الله علیه و آله بود؛ اما معلم او فقط رسول خدا صلی الله علیه و آله نبود؛ بلکه علمش لدنی بود. از این رو، او را «محدثه» نامیده اند. محدث کسی است که صدای ملائکه الهی را می شنود و دانش های الهی را از این طریق دریافت می کند. از گزارش های فراوانی که در روایات معتبر آمده، روشن می شود که فرشتگان آن حضرت راندا می کردند و از منزلتش باخبر

روایی، از نوشتاری به نام «مُصْحَف» فاطمه علیها السلام سخن به میان آمده است. امام صادق علیه السلام درباره اش فرمودند: «سه برابر قرآن است و در آن، یک حرف از قرآن هم نیست.» این مصحف شامل معارفی است که جبرئیل بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله برای حضرت آورده و به خط امیرالمؤمنین علیه السلام نوشته شده است.^۵ از دیگر جلوه‌های علم آن حضرت، خطبه فوق العاده فدکیه است. این خطبه دارای فصاحت و بلاغتی بی نظیر و سرشار از معارف ناب توحیدی است که نشان می‌دهد صاحبش از سرچشمه معارف الهی سیراب شده است.



می‌ساختند. امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّمَا سَمَّيْتُ فَاطِمَةَ علیها السلام مُحَدَّثَةً لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ تَهْبِطُ مِنَ السَّمَاءِ فَتُنَادِيهَا كَمَا تُنَادِي مَرْيَمَ علیها السلام بِنْتُ عِمْرَانَ فَتَقُولُ يَا فَاطِمَةُ علیها السلام اللَّهُ اضْطَفَاكَ وَ ظَهَرَكَ وَ اضْطَفَاكَ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؛^۶ بی‌تردید، فاطمه علیها السلام را «محدثه» نامیده‌اند؛ زیرا ملائکه از آسمان نازل می‌شدند و او را ندا می‌کردند، همان‌گونه که مریم، دختر عمران، را ندا می‌دادند، پس می‌گفتند: "ای فاطمه علیها السلام، خداوند تو را برگزید و پاک‌گرداند و بر زنان جهان برتری داد."^۷ جلوه‌های بی‌نظیر علم او، از مرجعیت علمی و اعلامیتش حکایت دارد. در روایات، به وفور، به آگاهی او از علوم غیب اشاره شده است. او در مدینه برای زنان درس تفسیر قرآن بر پا می‌کرد و پاسخ‌گوی سؤالات شرعی و اعتقادی‌شان بود. میراث علمی به‌جامانده از آن حضرت، گواه این مدعا است. در منابع

عبادت فاطمی

رسول خدا ﷺ فرمود: «إِنَّ ابْنَتِي فَاطِمَةَ عَلَيْهَا
مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهَا وَجَوَارِحَهَا إِيمَانًا وَيَقِينًا؛ همانا
خداوند متعال قلب و جوارح دخترم
فاطمه عليها السلام را از ایمان و یقین مالا مال کرده
است.» درباره شدت اشتغال حضرت به
عبادت نقل کرده اند که کسی از فاطمه عليها السلام
عابدتر نبود. شدت عبادت حیرت انگیز
این الگوی عالمیان به قدری بود که

پاهایش ورم کرده بود: «كَانَتْ تُقَوْمُ حَتَّى
تَوَرَّمْ قَدَمَاهَا.»^۷

شفقت و مهربانی

مهربانی و دل‌سوزی‌اش به حدی بود
که پدرش او را «أُمُّ آبِهَا» کنیه داد. حتی
در عبادت‌های شبانه‌اش، از مهربانی
بی‌کرانه‌اش، اول همسایه‌ها را دعای کرد.
امام حسن عليه السلام فرمود: «مادرم را دیدم که
شب جمعه در محرابش همواره تا صبح
در حال رکوع و سجود بود و می‌شنیدم
که برای زنان و مردان باایمان، با ذکر
نامشان، دعا می‌کرد و برای خود
دعایی نمی‌فرمود. پرسیدم: ای مادر،
چرا همان‌گونه که برای دیگران دعا
می‌کنید، برای خود دعا نمی‌کنید؟!
فرمود: فرزندم، اول برای همسایه و

سپس برای خانه.»^۸



یکی دیگر از جلوه‌های مهربانی حضرت، انفاق ایشان است. یکی از انفاق‌های بسیار زیبای ایشان، انفاق در شب عروسی‌اش است. پیامبر ﷺ در عروسی زهرا علیها السلام یک دست پیراهن نو به او داده بود تا در شب عروسی بپوشد. هنگامی که فاطمه علیها السلام به خانه همسر رفت، بر سجاده عبادت خود نشسته بود و با خدا مناجات می‌کرد. ناگاه مستمندی به در خانه فاطمه علیها السلام آمد و با صدای بلند گفت: از خانه نبوت یک پیراهن کهنه می‌خواهم. فاطمه علیها السلام در آن وقت دو پیراهن داشت: یکی کهنه و دیگری نو.



پی‌نوشت

۱. احتجاج، احمد بن علی طبرسی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ج ۳، بیروت، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۴۶۶.
۲. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۴۵۷.
۳. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ج ۴۳، ص ۱۶.
۴. علل الشرایع، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، منشورات المکتبه الحیدریه، نجف، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۱۸۲.
۵. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۴۱.
۶. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۹.
۷. همان، ص ۸۴.
۸. علل الشرایع، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، انتشارات مکتب دآوری، قم، ج ۱، ص ۱۸۱.
۹. «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» (آل عمران/۹۲).
۱۰. ریاحین الشریعه، ذبیح‌الله محلاتی، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، تهران، ج ۱، ص ۱۰۵ و ۱۰۶.



حاج آقای مشگل گشا ۱۰

محمدحسین شهبازی - دانش پژوه سطح ۳ تخصصی تبلیغ

انتخابات

دارد به آن‌ها خوش می‌گذرد، لذت می‌بردم. هرازگاهی هم به بافتنی خودم مشغول می‌شدم.

نزدیک ظهر که شد، هرکسی کاری را برای آماده‌کردن ناهار به عهده گرفت. دوسه تا خانواده دیگر هم نزدیک ما بودند و دنبال جای مناسبی می‌گشتند تا آتشی روشن کنند. حاج‌آقا که در ارتباطگیری استاد است، فوری جای مناسبی انتخاب کرد و به دو تا آقای که دنبال جا برای درست‌کردن آتش می‌گشتند گفت: اگه

مدتی بود به‌خاطر مشغله زیاد حاج‌آقا فرصت نشده بود خانوادگی تفریح برویم؛ ولی بالأخره با برنامه‌ریزی جدی فرصتی شد برای یک دورهمی و تفریح خانوادگی، کنار یکی از چشمه‌های زیبا و بسیار دیدنی اطراف شهر. جای خلوت و مناسبی را برای نشستن انتخاب کردیم. تا ظهر خیلی خوش گذشت؛ حاج‌آقا برای بچه‌ها تاب بست و با دو تا پسرها مفضل توپ‌بازی کردند. من هم از بازی کردن بچه‌ها و از اینکه

دنبال یه جای مناسبید، تشریف بیارید؛ تا حالا سر یه بحث الکی دارید اعصاب آتیشی که درست کرده‌م زیاده و نزدیک خانواده هم نیست. یه گپ مردونه هم می‌زنیم تا غذا آماده بشه.



آن‌ها از خوش‌رو بودن و نظر حاج‌آقا استقبال کردند. آتش که آماده شد، حاج‌آقا کنار ما آمد تا وسایل را برای درست کردن نهار ببرد. در همین حین، یک‌دفعه یکی از

آن دو نفر با صدای بلندی گفت: بی‌خیال اکبر آقا! شما هم دلت خُوشه‌ها! اومدیم تفریح؛ بذار خوش باشیم!

نفر سوم آن خانواده هم به جمعشان اضافه شد و از همان دور داد می‌زد:

ای بابا اکبر آقا! آقا رضا، بازم شروع کردید؟! بس کنید تو رو خدا. از دیشب

حاج‌آقا لبخندی زد و گفت: ببین حاج‌خانم، من طلبه‌م؛ هر جا برم، بالاخره باید طلبگی کنم؛ فرقی نمی‌کنه که توی مسجد باشه یا دانشگاه یا تفریح. این دو نفر یقیناً در مورد موضوعی اختلاف دارن که لطف خدا شامل حال ما شده تا از این فرصت‌ها استفاده کنیم.

فاصله‌شان تاماطوری بود که حرف‌هایشان را می‌شنیدم. بعضی از حرف‌هایشان هم که نشنیدم، بعداً حاج‌آقا مفصل برابم توضیح داد.

حاج‌آقا که رفت، ابتدا چیزی نگفت؛ چون امکان داشت بحثشان خصوصی باشد و دوست نداشته باشند نزد دیگران بازگو کنند. خودشان شروع کردند و اصل دعوا را گفتند.

اکبر برای شورای شهر نامزد شده بود. دفعه قبل با اختلاف خیلی کمی رأی

نیارود. رضا هم می‌گوید اصلاً اعتقادی به رأی‌دادن ندارد. او می‌گوید رأی‌دادن ما هیچ تأثیری در خوب‌شدن اوضاع ندارد؛ فلانی که این‌قدر وعده‌و‌و‌عید می‌داد، دفعه قبل چه گلی به سر ما زد که حالا اکبر آقا برود درستش کند؟! به‌نظم، اصلاً این‌ها از قبل پیش خودشان مشخص کرده‌اند که چه‌کسی رأی بیاورد. پس رأی‌دادن ما هیچ تأثیری ندارد.



چند بار رأی داده‌ی؟

رضا گفت: با افتخار، تا حالا اصلاً رأی نداده‌م؛ جزیه بار که اونم پشیمون شدم و قسم خوردم دیگه رأی ندم. بعدش هم خندید و گفت: شکوندن قسم هم که کفاره داره!

آقارضا، می‌دونی که هم از نظر شرعی و هم از نظر عقلی، تو داری گناه می‌کنی و خودش یه جور ضربه‌زدن به آینده شهرته، وقتی رأی نمی‌دی؟

رضا با همان تن صدای بالا گفت: حرفایی می‌زنید ها! حتماً تو هم کاندیدا شدی و می‌خوای رأی بیاری که داری این‌طوری می‌گی! آخه، چه ربطی به دین داره؟ شماها هم برا اینکه مسئله‌تون حل بشه، فوری به دین ربطش می‌دید!

کبر هم مشخص بود که دارد بیشتر حرص رأی‌آوردن خودش را می‌خورد تا قانع‌کردن دوستش. حاج‌آقا صالح‌پرور که داشت زغال‌ها را جابه‌جا می‌کرد تا خوب آتش بگیرد،

این حق الناس نبوده؟ آیا من با انتخابم نمی‌تونستم کاری کنم که حق کسی ضایع نشه؟ آیا من با انتخاب درست می‌تونستم جلوی ظلم رو بگیرم؟

حالا شما بگو آیا دین خدا مخالف ظلم نیست؟ من و شما با انتخاب صحیح می‌تونیم جلوی اون ظلم رو بگیریم؟ انتخاب فرد اصلح یا بهترین فرد جزو وظیفه شرعی من و شما هست یا نه؟ تقریباً می‌شه پی برد که چه فردی واقعاً دلسوزه و دنبال خدمت‌کردنه و چه کسی هم دنبال پست و مقامه.

یکی از مهم‌ترین ملاک‌ها برای انتخاب فرد دلسوز، سبک زندگی اون شخصه. فردی که ساده‌زیسته و اهل ریخت‌وپاش و اهل خرید رأی نیست، به نظر شما، با کسی که همه یا بخشی از

این موارد رو رعایت نمی‌کنه یکیه؟ خرید یا فروش رأی که مبلغی می‌دهند تا شخص بدون هیچ‌گونه تحقیقی و کاملاً

خداراشکر، حاج‌آقا در این مواقع کاملاً صبور و آرام است. لبخندی زد و گفت: ببین داداش، همه ما می‌دونیم هیچ زدوبندی و هیچ ساخت‌وپاختی این‌پستوها نیست؛ هرچی هست، رأی من و شماست که مشخص می‌کنه کی مسئول ما بشه و کار رو دست بگیره.



شما می‌گید من رأی نداده‌م. حالا فرض کنیم که یه نفر که واقعاً خوب بوده، به خاطر من و شمایی که رأی نمی‌دیم، انتخاب نشه. اون وقت، شما بگو در این مدتی که اون شخص تو رأس کاره و حق مردم به وسیله اون ضایع می‌شه، آیا

چشم بسته رأی بدهد، خودش گناه و حرام و نوعی بی قانونی است.^۲
وقتی کسی که هنوز مسئولیتی نگرفته
داره بی قانونی می کنه، به نظرت، وقتی
قدرت گرفت، دیگه برایش قانون مهمه؟
قطعاً نیست.

پس، به نظر من، هم حتماً رأی بدید و
هم به خاطر خودت و به خاطر آدم های
ضعیف و مستضعف تمام تلاشت رو
بکن که به «اصلح» رأی بدی.
حاج آقاخندید و گفت: راستی، قسم خوردن
توی این جور مواقع هیچ تأثیری نداره؛ مثلاً
اگه شما در حال عصبانیت قسم بخوری و
بگی «به خدا دیگه غذای خورم» یا «به خدا
فلانی رو می کشم»، این قسم خوردن ها
نیازی به کفاره نداره؛ چون هم در حال
عصبانیت بوده و هم می خواهی یه واجبی
رو بر خودت حرام کنی یا یه حرامی رو بر
خودت واجب کنی.^۳



ادامه دارد...

پی نوشت

۱. رک: پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری علیه السلام، احکام انتخابات، سؤال ۱: <https://B2n.ir/q86268>.

۲. رک: همان، سؤال ۱۱.

۳. رک: دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری علیه السلام، <https://B2n.ir/d44250>.

محدوده‌ی حیا در روابط خانوادگی ۶



در شماره‌های قبلی ماهنامه درباره‌ی حیای والدین در رفتار با فرزندان صحبت کردیم و احتیاط‌های لازم در امور جنسی فرزندان مانند نگاه نکردن به عورت کودک، نحوه‌ی استحمام فرزندان و پاسخ دادن به پرسش‌های جنسی کودکان بررسی شد که در ادامه به بقیه‌ی آن می‌پردازیم:



نام‌گذاری فرزندان

بین خود و ایشان حس می‌کند و می‌کوشد خود را شبیه آنان کند و به نوعی خود را در محضر ایشان ببیند. این نام‌گذاری می‌تواند سبب شرم وی شود و او را از انجام دادن کارهای زشت بازدارد. البته این امر متوقف بر این است که والدین فرزندان خود را به این نکته آگاه کنند.^۲

مستحب است در روزهای نخست تولد نوزاد نام نیکو و شایسته‌ای برای او انتخاب شود. این امر از حقوق کودک بر پدر و مادر است و بسیاری از فقها به آن تصریح کرده‌اند.^۱ نام‌گذاری نیز در حیای فرزندان تأثیر دارد: فرزندی که نام یکی از معصومین علیهم‌السلام را دارد، رابطه‌ای

در روایتی آمده است: در روز قیامت مردی را می‌آورند و نامش محمد است. از طرف خداوند به او خطاب می‌شود که از من شرم نکردی و مرا معصیت کردی، درحالی که هم‌نام حبیب من، محمد رسول الله ﷺ، بودی؟! و من امروز شرم دارم تو را عذاب کنم درحالی که هم‌نام حبیب من هستی.^۳

تکریم فرزندان



و حیا است حکام بخشند. مثلاً در مهمانی‌ها و مجالس آنان را همانند دیگران گرامی بدانند و به شیوه‌ای خردمندانه تحسین کنند و از هرگونه تحقیر و تمسخر و به رخ کشیدن عیوب و خطایشان بپرهیزند. گفتار و کردار ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام نسبت به فرزندان خود بزرگ‌ترین درس‌های تربیتی را به ما می‌آموزد؛^۴ پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُعْفَرَ لَكُمْ»^۵ فرزندان خود را احترام کنید و آدابشان را نیکوگردانید تا آمرزیده شوید.»

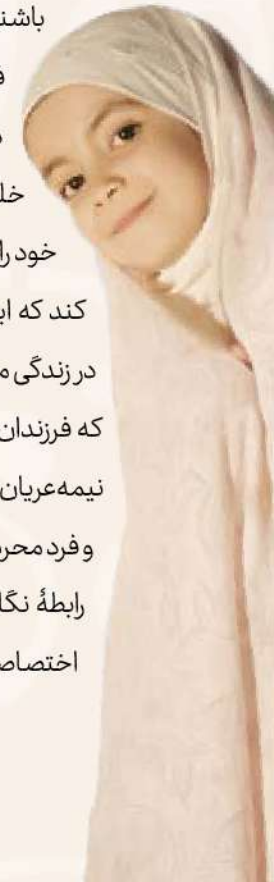
پوشش مناسب والدین

حیا رابطه تنگاتنگی با پوشش دارد و در بسیاری از روایات این دو باهم آمده است؛ مثلاً «حیا» و «ستر» هر دو باهم در مورد خداوند متعال آمده است.^۶ حیا در مقابل عریانی است. لازمه حیا پوشش است. نمی‌توان شخص برهنه را با حیا دانست. گفته شده لقمان یکی

حیا بر پایه حرمت و کرامت استوار است. فرزندان در هر سنی که هستند، برای خودشان ارزش قائل‌اند و دوست دارند به شخصیت آنان توجه شود و مورد احترام قرار گیرند. والدین باید به این گرایش فطری توجه کنند و روحیه فرزندان را با عزت نفس

از کسانی بوده که پوشش بسیاری داشته است. درباره پوشیدگی دو مسئله وجود دارد: یکی پوشش در خانه و دیگری پوشش در بیرون خانه. بر زن و مرد لازم است که به وضع ظاهری خود در خانه برسند؛ اما باید در برابر فرزندان که به سن تمیز رسیده‌اند، پوشش مناسب داشته باشند. زن باید در مقابل فرزند پوشش مناسبی داشته باشد؛ اما در خلوت هرگونه می‌تواند، خود را برای همسرش آراسته کند که این امر سبب دل‌گرمی در زندگی می‌شود. در روایات آمده که فرزندان نباید به بدن برهنه یا نیمه‌عریان والدین یا خواهر و برادر و فرد محرم دیگری نگاه کنند؛ زیرا رابطه نگاه و تحریکات شهوانی اختصاصی به نامحرم ندارد.^۷

فرزندان آموزه‌های اخلاقی را از رفتار والدین خود می‌آموزند؛ زیرا سعی می‌کنند با تقلید و الگوبرداری از رفتار بزرگ‌ترها با آن‌ها هم‌سان‌سازی کنند و خود را به شکل آنان درآورند. الگوهی عملی والدین از حیا و رفتارهای اخلاقی هماهنگ با آن زمینه‌رشد حیا را در فرزندان افزایش می‌دهد. از این رو، لازم است والدین نه تنها از ظاهر شدن در برابر فرزندان با لباس نازک یا نیمه‌عریان بپرهیزند و از شوخی‌ها و خنده‌های سبک و مخالف عزت و حیا در برابر نامحرمان خودداری کنند، بلکه باید عملکرد آن‌ها الگوی حسنه‌ای از متانت، بزرگ‌منشی و حیا برای فرزندان باشد. والدین خود الگوی عملی حیا هستند و آن را با عمل خود ترویج می‌کنند. تبیین حکمت‌های این نوع عملکرد و پیامدهای آن برای نوجوان تشنه فضیلت و حقیقت، در اخلاق و رفتار وی بسیار مؤثر خواهد بود.^۸ امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند:



«الْحَيَاءُ يَصُدُّ عَنِ فِعْلِ الْقَبِيحِ؛ حیا انسان را از انجام دادن کارهای زشت باز می‌دارد.»
آن است که در خلوت خود نیز عملی را که از هدف از حیا این است که انسان بتواند خودش را از ارتکاب کارهای زشت بازدارد و از اینکه بخواهد عمل قبیحی را مرتکب شود، شرم کند. حضرت علی علیه السلام ورع را با حیا پیوند می‌دهد و می‌فرماید: «مِنْ أَفْضَلِ الْوَرَعِ أَنْ لَا تُبَدِّيَ فِي خَلْوَتِكَ مَا تَسْتَعْيِي مِنْ



برای مطالعه بیشتر:

پژوهشی در فرهنگ حیا، عباس پسندیده، انتشارات دارالحدیث، قم.

إِظْهَارِهِ فِي عَلَانِيَتِكَ؛ بهترین نوع پرهیزکاری آشکار کردنش شرم داری انجام ندهی.»

پی‌نوشت

- ۱ . النهایه، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، دارالکتب عربی، بیروت، ج ۲، ۴۰۰، ج ۱، ص ۵۰.
- ۲ . جلوه‌های حیا در روابط خانوادگی، سیده مرضیه علوی، انتشارات هاجر، قم، ج ۱، ۱۳۹۶، ص ۱۰۶.
- ۳ . مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین بن محمد تقی نوری (محدث نوری)، انتشارات مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، قم، ج ۱۵، ص ۱۳۰؛ «وَ اَسْمُهُ مُحَمَّدٌ فَيَقُولُ اللهُ لَهُ مَا اسْتَخْيَيْتَ اَنْ غَضَيْتَنِي وَاَنْتَ سَمِيَّ حَبِيبِي وَاَنَا اسْتَخْيِي اَنْ اُغَيَّبَكَ وَاَنْتَ سَمِيَّ حَبِيبِي».
- ۴ . حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام، محمد جواد مروجی طیبی، دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم، ج ۲، ۱۳۷۶، ص ۱۰۳ و ۱۰۴.
- ۵ . بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، انتشارات مؤسسه وفاق، ج ۲، ۴۰۳، ج ۱، ص ۹۵.
- ۶ . «إِنَّ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ حَيٌُّّ سَيِّئٌ يُحِبُّ الْحَيَاءَ وَ التَّيْتُّزَ؛ به درستی که خدای عزوجل بسیار باحیا و پرده پوش است و حیا و پرده پوشی را نیز (در دیگران) دوست می‌دارد» (سنن ابی‌داود، ابوداود سلیمان بن اشعث سجستانی، انتشارات دارالفکر، بیروت، ج ۴، ص ۴، ج ۱۲، ۴۰).
- ۷ . جلوه‌های حیا در روابط خانوادگی، سیده مرضیه علوی، ص ۱۱۰ و ۱۱۱.
- ۸ . تربیت جنسی، علی نقی فقیهی، انتشارات دارالحدیث، قم، ۱۳۸۷، ص ۲۰۵.
- ۹ . غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد تمیمی آمدی، دارالکتب الاسلامی، قم، ج ۲، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۷۴.
- ۱۰ . همان، ج ۱، ص ۶۷۷.

آسیب‌های فضای مجازی را بشناس (روابط اعضای خانواده ۳)



گسترش فضای مجازی، در روابط بین فرزندان و والدین نیز تغییراتی به وجود آورده است و به آثاری چون: کاهش روابط واقعی و شکاف نسل‌ها در شماره قبلی پرداختیم. در این یادداشت، به بیان برخی آثار دیگری می‌پردازیم:



کاهش تعاملات فرزندان با والدین

سنین بالاتر (از ۱۷ تا ۴۰ سالگی) این میزان

به ۴۰ درصد کاهش پیدا می‌کند!

این مسئله بیانگر آن است که جوانان

مشغول در فضای مجازی، علاقه چندانی به

ارتباط با والدین خود در فضای مجازی ندارند

و چه بسا علت این امر، مخفی‌کاری آنان از

والدین باشد. همین تحقیق نشان می‌دهد

که در سنین بالاتر از ۴۰ سال، تمایل فرزندان به

انجام ارتباط با والدین مجدداً افزایش یافته، به

۵۰ درصد می‌رسد. همچنین، دختران بیش‌تر

از پسران روی دیوار والدین خود آیتم‌هایی را به

اشتراک می‌گذارند، در حالی که پسران ترجیح

می‌دهند دریافت‌کننده باشند!



شبکه‌های اجتماعی، تعامل فرزندان با

والدین را دگرگون کرده‌اند. در تحقیقی،

میزان رابطه فرزندان و والدین در

فیس‌بوک مورد مطالعه قرار گرفت که

نشان می‌دهد، در سنین ۱۳ تا ۱۷ سالگی،

۶۵ درصد نوجوانان برای والدین خود

درخواست دوستی ارسال می‌کنند؛ اما در

در چنین شرایطی، می‌توان گفت که هرروز روابط بین والدین و فرزندان سردتر می‌شود و هرکدام از زاویه خود به مسائل نگاه خواهند کرد. نسل دیروز (والدین) احساس دانایی و باتجربگی می‌کند و نسل امروز (فرزندان) که خواهان تطابق با پیشرفت‌های روز است، در برابر نسل قبلی واکنش نشان می‌دهد و چون از پس منطق و نصیحت‌های ریشه‌دار و سرشار از تجربه آن‌ها بر نمی‌آید، به لج‌بازی و رد کردن بی‌منطق روی می‌آورد.

امروزه سرعت تکنولوژی، شکاف بین نسل فرزندان و والدین را بسط داده است. براساس اظهارات معاون سازمان بهزیستی کشور، میزان گفت‌وگو بین اعضای خانواده در کشور، تنها حدود ۳۰ دقیقه است که این می‌تواند آسیب‌زا باشد.^۲

ارتباطات واقعی، همبستگی معکوس وجود دارد.^۳ به این معنی که هرچه جوانان در شبکه‌های مجازی فعالیت بیش‌تری داشته باشند، به همان میزان ارتباطات واقعی آنان کاهش می‌یابد؛

رواج ازدواج اینترنتی

یکی از روش‌های ازدواج در جامعه امروزه که متأثر از جوامع غربی بوده، در آینده تأثیر مستقیمی در تعاملات والدین در زمینه تربیت فرزندان خواهد داشت، آشنایی در فضای مجازی و خواستگاری در این محیط است. به عبارت دیگر، دختر و پسر در یک محیط مجازی از طریق گفت‌وگو و چت یا با سایت‌هایی که در زمینه همسریابی فعالیت می‌کنند، با هم آشنا می‌شوند و گاه از هم خواستگاری می‌کنند.

طبق نتایج تحقیق «جعفری»: بین میزان فعالیت در شبکه‌های مجازی و

کارشناسان و متخصصان امور خانواده بر این باورند که هنگام گفت‌وگوی

اینترنتی؛ چون معمولاً امکان ارتباط زنده و چهره به چهره برای دو طرف میسر نیست یا در فضای غیرواقعی اتفاق می‌افتد و بیش‌تر ارتباطات به صورت متنی یا صوتی است، افراد چهره‌ای ساختگی و تصویری مجازی از فرد مقابل در ذهن خود تصور می‌کنند که حتی گاهی با اولین دیدار و قرار ملاقات، از دیدن چهره‌های یکدیگر متعجب می‌شوند.

از دست رفتن نظارت والدین

در کشورهای اسلامی برای کنترل فرزندان، میان دختران و پسران خطوطی را ترسیم می‌کنند و آن‌ها را در خلوتگاه با یکدیگر تنها نمی‌گذارند.^۶ در متون دینی نیز بر این امر تأکید شده است؛^۷ اما استفاده از

در بیش‌تر مواقع صحبت‌هایی که حین گفت‌وگوی اینترنتی رد و بدل می‌شود، از واقعیت و صداقت فاصله زیادی دارد.^۸ ازدواج و خواستگاری در اینترنت باعث کم‌رنگ شدن قید و بندهای اجتماعی



اینترنت، نظارت والدین را کاهش می‌دهد و ممکن است فرزندان دچار انحرافات اخلاقی شده یا از خانه فرار کنند. تحقیقات نشان می‌دهد: «اینترنت باعث افزایش فرار و فریب دختران می‌گردد».^۸

قوانین را دخالت در امور شخصی و تلاش برای کاهش خودمختاری‌شان می‌دانند. همچنین موجب تعارض در قدرت می‌شود؛ چراکه استفاده از رایانه مستلزم دانش و مهارت است که کودکان بیش از والدین این مهارت را دارند. هنگامی که نوجوان به فردی تبدیل شود که دیگران برای گرفتن راهنمایی به او مراجعه می‌کنند، تعادل قدرت در خانواده از اینترنت ایجاد کنند؛ اما نوجوانان این دستخوش تغییر می‌شود.^۹

پی‌نوشت

۱. بررسی تأثیر و نقش فضای مجازی در سبک زندگی اسلامی، محمد مطهری، فصلنامه ره‌آورد نور، سال شانزدهم، ش ۵۹، تابستان ۱۳۹۶، ص ۵۹.
۲. عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف نسلی (مطالعه موردی شهر خلخال)، محمد رحیمی، پایان‌نامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۹۰ش، ص ۱۹.
۳. آسیب‌های ناشی از عضویت و فعالیت در شبکه‌های اجتماعی در میان نوجوانان و جوانان شهر اردبیل، علی جعفری، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال بیست و سوم، ش ۸۷، پاییز ۱۳۹۵، ص ۱۷۵.
۴. خانواده و آسیب رسانه‌ای (رایانه و اینترنت)، نسیم جعفری، انتشارات آموخته، اصفهان، ۱۳۹۱ش، ص ۱۳۳.
۵. جامعه‌شناسی خانواده، شهلا اعزازی، انتشارات روشنگران و مطالعات، تهران، ۱۳۷۶ش، ص ۱۶۷.
۶. همان.
۷. «قال رسول الله ﷺ: لَا يَخْلُوتُ رَجُلٌ بِأَهْرَافَةٍ، فَإِنَّ تَالِثَهُمَا شَيْطَانٌ؛ هیچ مردی با زنی خلوت نکند که سومین آن‌ها شیطان است.» مستدرک الوسائل، میرزا حسین بن محمد نوری، مؤسسه آل البيت، بیروت، ۱۴۲۹ق، ج ۱۴، ص ۲۶۶.
۸. اینترنت و امنیت اجتماعی، سعید مجردی، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۱ش، ص ۱۷۸.
۹. Troubles with the internet: the dynamics of help at home², Kiesler & other, (2000). Human-Computer Interaction, vol. 15, p. 334-340.



ستۀ ضروریۀ ۱۰

اکرم کاوری - دانش آموخته ی دوره طب ایرانی - اسلامی

روغن

برای داشتن سلامتی، در تغذیه باید چهار

مهم را اصلاح کرد: نان؛ روغن؛ نمک؛ آب.

کلید درمان اصلاح روغن است. روغن کم مصرف کنیم. از روغن گیاهی، مثل زیتون و کنجد، استفاده کنیم. با مصرف روغن کنجد و روغن دنبه و پیله، چربی خون پایین می آید.



نان

نان باید از آرد کامل یا همان آرد سبوس دار تهیه شود؛ در تهیه اش از مواد مخمر شیمیایی استفاده نشود؛ خمیرش در حالت طبیعی و ریپاید و آماده پخت شود.



روغن دنبه بدن را گرم و تر نگه می‌دارد و در پیری هم پوست شاداب می‌شود. روغن کنجد هم خوب است؛ اما بعداً خشکی می‌دهد. روغن مایع را اگر به دست بمالید، می‌ماند و جذب نمی‌شود؛ اما روغن دنبه سریع جذب پوست می‌شود و در بدن هم همین‌طور است.

مضرات روغن نباتی

روغن حیوانی هم برای افراد پیر، چون سنگین است، باید مقطعی باشد، نه همیشگی. اگر روغن حیوانی خوردیم، باید تحرک سنگین داشته باشیم و حجامت هم انجام دهیم؛ وگرنه عامل قتل می‌شود.

مصرف دنبه و پیه پوست را زیبا نگه می‌دارد. روغن دنبه صورت را شفاف می‌کند و تیرگی‌های حاشیه صورت را پاک می‌کند. دنبه مواد آرایشی پوست را از بین می‌برد.





انواع روغن‌های حیوانی، اعم از دنبه و پیه و روغن زرد، در بدن رسوب ندارند و توان جذبشان بالاست. بر اثر این رسوب است که کلسترول تولید می‌شود.

کل روغن‌های حیوانی مغز استخوان را ترمیم و عضلات را قوی می‌کنند. پس علت افزایش بیماری‌های پوکی استخوان مصرف روغن‌های نباتی است.

از این جهت، کسانی که شکستگی یا ترک استخوان دارند، اول باید روغن نباتی را

از رژیم غذایی‌شان حذف کنند و روغن حیوانی بخورند و چون هضم این روغن بر اثر مصرف طولانی‌مدت روغن نباتی

سخت می‌شود، روغن حیوانی را همراه عسل و سرکه محلی، و نه کارخانه‌ای، بخورند تا بدن بتواند آن را جذب کند؛

یا قبل از مصرف روغن حیوانی از روغن زیتون شروع کنند که هم شوینده

سیستم گوارشی است و هم سودای جذب‌شده (رسوبات خون) در کل اندام

را پاک می‌کند و زمینه را برای جذب روغن حیوانی فراهم می‌آورد.

برای جذب روغن حیوانی، به این ترتیب با ترکیب «۴ واحد روغن زیتون + ۲ واحد عسل + ۱ واحد سرکه» زمینه جذب

روغن حیوانی را آماده کنید. اگر این ترکیب را روی سالادها بریزید، بهترین غذا می‌شود. (گرم‌مزاج‌ها روی کاهو و

سردمزاج‌ها روی کرفس بریزند). این ترکیب برای بیماری‌های پوکی استخوان

و مجموعه بیماری‌های مفاصل، استخوان و عضلات مفید است.

روغن حیوانی و در کل تمام چربی‌های حیوانی گرم هستند. اساسی چربی خون است. این روغن باعث طول عمر می‌شود و ضد سرطان است. یک گروه پزشکی در ژاپن، بعد از تحقیقاتی دریافتند که فقط در انجیر و زیتون ماده‌ای وجود دارد که جلوی پیری را تا حد زیادی می‌گیرد. یکی از این افراد می‌گوید: چون دیدم در قرآن به این دو میوه قسم خورده شده^۴، به حقانیت این کتاب پی بردم و مسلمان شدم. تمام این تیم پزشکی که سیزده یا چهارده نفر بودند، به واسطه همین تحقیق مسلمان شدند.^۵



روغن زیتون

روغن زیتون باید بودار باشد. روغن زیتون تنها روغنی است که روغن مفید بدن را افزایش و روغن مضر بدن را کاهش می‌دهد. از این رو، یکی از درمان‌های

پی‌نوشت

۱. مزاج‌شناسی و نسخه‌های استاد خیراندیش، جوادعلی قلی‌پور، انتشارات مارینا، چ ۴۳، تابستان ۱۳۹۷، ص ۲۰۷.
۲. المحاسن، احمدین محمد برقی، انتشارات دارالکتب الإسلامیه، قم، ۱۳۷۱ش، ج ۲، ص ۴۶۵.
۳. مزاج‌شناسی و نسخه‌های استاد خیراندیش، جوادعلی قلی‌پور، ص ۲۰۸.
۴. تبین، ۷.
۵. مزاج‌شناسی و نسخه‌های استاد خیراندیش، جوادعلی قلی‌پور، ص ۲۰۸.

نوایح ظریف

معصومه باقری ثالث - کارشناس علوم قرآن و حدیث

پلک‌هایت را روی هم بگذار تا شاید با
جاری شدن اشک‌هایت، کمی بارِ دلث
سبک شود... حالا چشم‌هایت را باز کن
و در آینه نگاه کن... دخترک ۱۴ ساله!
یک‌شبه چقدر بزرگ شده‌ای!... با اینکه
فقط ده روز طعم همسری را چشیده‌ای
ولی پختگی و رشد یک زن کامل را
می‌توان در چهره‌ات دید! می‌توانی امروز
وقتی در آینه بخت نگاه می‌کنی فقط
خودت را ببینی؟ می‌شود یک امروز با
نگاه خودت به چشم‌های حسن در

آینه نگاه نکنی؟ می‌دانم آن قدر با او
یکی شده‌ای که سخت است خودت
را بدون او ببینی؛ ولی بیا و امروز را کنار
من بنشین و به خودت نگاه کن!... نه
باشد!... اصلاً به حسن نگاه کن!
به حسن که به نظر تو زیباترین مرد
دنیاست! به مردی که شیرین‌ترین
لبخندها و نافذترین نگاه‌هایش را در قاب
چشم‌های تو جا گذاشته است! چطور
نگرانی که با گذشت زمان، طرح لبخندش
را فراموش کنی و می‌ترسی عمق نگاهش

از خاطرت برود؛ درحالی‌که بهتر از تمام
 قاب عکس‌ها، جزئیات زیبایی چهره‌اش
 در قلب تو ماندگار خواهد ماند! می‌دانی
 او برای همین روزها خودش را در قلبت جا
 کرده است؟ شاید هم خودش را در قلب
 خدا؟ می‌بینی چه هوشمندانه خودش را به
 خدا نشان داده است؟ انگار دل به دست
 آوردن، هنر انسان‌های وارسته است که
 تا چه حد می‌توانند رقیق و روان، به خَلْق
 عشق بورزند و دل خالق را به دست آورند!
 یادت هست آن روز صبح که تماس
 گرفت و گرفتگی صدایت را شنید؛
 با آن همه مشغله خودش را به خانه‌تان
 رساند؟ بغضش را دیدی؟ آن روز تعجب
 کردی... باورت نمی‌شد تو تب کنی و او
 برایت بمیرد؟ ولی او به هم ریخته بود!...
 صادقانه بی‌حالی تو، حالش را گرفته بود!
 آن روز، دو بار دیگر هم آمد و به نامزدش
 سر زد... یادت هست بار سوم که آمد،
 چه قندی در دل تو آب شد؟! پسر جوان
 در زده بود ولی قدر آمدن تو تا دم در و باز
 شدن آن، دیگر طاقت انتظار نداشت و
 از در بالا کشیده بود تا بلکه بتواند چند
 ثانیه زودتر تو را ببیند!
 آن روزها با خودت فکر می‌کردی صاحب
 قلب این مردی و می‌دانستی چقدر برایش
 ارزشمندی! شاید آن روز که او را به عنوان
 یک جوان مؤمن پاسدار ولایی که عاشق
 امام و انقلاب است پذیرفتی و دلت را
 به این جوان باختی، حدس نمی‌زدی
 این‌طور دل این جوان را با پوشیه زدن
 و دیدار خانواده شهدا رفتن ببری! تو از
 آن دخترهایی بودی که در هر مجلسی
 پا می‌گذاشتی همه برای خوشبختی‌ات
 دعا می‌کردند و حالا می‌توانستی نشانه
 استجاب دعای خودت و دیگران را
 در حسن پیدا کنی!... یادت هست
 مادر جان شب‌ها تک‌به‌تک نام بچه‌ها و
 نوه‌هایش را می‌برد و برای عاقبت‌به‌خیری
 و خوشبختی‌شان دعا می‌کرد؟

تو آن روزها دوست داشتی نظر این
کامل‌زن مؤمن را راجع به خواستگارت
بدانی... به قول مادر جان، مرد باید
هم نمازخوان می‌بود و هم خوب نماز
می‌خواند! و تو در نمازهای حسن جز
عشق و اشتیاق نمی‌دید! به نظر تو چه
چیزی می‌توانست به غیر از عشق در جان
این جوان شعله بکشد و با شوق وصال

آن در پایگاه هوانیروز اصفهان به نماز
شب بایستد درحالی‌که در دوران
طاغوت، خواندن نمازهای واجب یومیه
هم جواب پس دادن داشت؟ می‌گفتند
وقتی به نماز می‌ایستد انگار زمین زیر
پایش می‌لرزد و نمی‌دانستند که این
اشتیاق وصال است که قلب این جوان
را این‌چنین می‌لرزاند!

تو از همان اوایل می‌دانستی خیلی
وقت است که این مرد، خودش را در
دل خدا جا کرده است! و شاید به دست
آوردن دل تو خان آخر از هفت خان



روز زندگی مشترک، چنان بادل تورا راه آمده
 است که می‌توانی لذت این زندگی شیرین
 را با تمام زنان شهر، تقسیم کنی و برای
 خودت هم بماند!

وقتی این مرد از نوجوانی توانسته دلش
 را محکم به دل خدا گره بزند، واضح
 است که می‌تواند تو را آن قدر عاشق کند
 که رفتنش برایت این قدر سخت تمام
 شود! حق داری تازه عروسی خانه حسن!
 همسر شهید شدن برای تو زود بود! ولی
 راستش وقتی کنار دست مردی مثل
 حسن می‌نشینی و زیر بارش قند و تور
 و نور و پولک، یک بله عاشقانه و پردوئ
 به زندگی با این پرنده می‌دهی، باید
 فکر پرواز در افق‌های بالا راهم بکنی!
 تو خودت هم قبول داری اگر می‌ماند و
 نمی‌پرید، وجودش به این دنیا زار می‌زد!
 پس نظرت چیست کمی آرام شوی؟
 نظرت چیست که این طور از درون شعله
 نکشی و قطره قطره آب نشوی؟

در این چهار ماه که از شهادت حسن
 گذشته است، فقط تو می‌دانی و خدا
 و حسن که چه حجمی از دل تنگی را بر
 شانه کشیده‌ای! یک لحظه بایست! این
 شانه‌های ظریف تاب این همه فشار را
 ندارد! همین قدر که قرار است داغش
 را در قلبت نگهداری کافی است! تو او
 را هرگز فراموش نخواهی کرد عزیزم!
 دیده‌ای درختی را که قطع می‌کنند، حتی
 وقتی جوانه می‌زند، زخم تبر را فراموش
 نمی‌کند! آیا تو هم می‌توانی دوباره
 برخیزی؟ می‌توانی دوباره جوانه بزنی؟
 به دلت نگاه کن دختر! درونش پر از
 عشق حسن است و بیرون آن... آه
 عروس خانم! خواهش می‌کنم! برای بار
 آخر خواهش می‌کنم به پشت در دلش
 نگاه کن! نجابتش را ببین!... بین چقدر
 موقر و متین ایستاده است!... ببین
 پاکی از چشم‌هایش می‌بارد!... قلبش
 را ببین! قلب یک مرد مؤمن است! پر



از لطافت و عشق به زن و زندگی‌اش!...
بیا امروز کمی دقیق‌تر این مرد را ببین...
محمدحسین برادرِ حسن نیست، بلکه
در محبت و مهربانی نیمهٔ دیگر حسن
است! او هم اهلِ رعایت مستحبات
و اهلِ مراعات است، همان‌طور که تو
دوست داری او هم پاسدارِ دل و دین و
وطن است... ببین در رگ‌های این جوان
هم، خونِ غیرت و جوانمردی می‌جوشد!

محمدحسین را خوب ببین ولی از
همین حالا به دلت بگو این هم یک
پرندهٔ دیگر است! که مدتی را در آشیانه
تو اُنس خواهد گرفت ولی نخواهد
ماند! اصلاً اخلاقش را ببینی خودت هم
می‌فهمی او هم آدم این دنیا نیست!
بگذار بیاید! بگذار مرد خانهاش بشود!
تو و او باهم شریک غمید! نمی‌خواهی
وقتی که دلت برای حسن تنگ می‌شود،
یک نفر مردانه کنارت بنشینند و اشک
از چشم‌هایت پاک کند؟ نمی‌خواهی

یک نفر آن قدر دوستت داشته باشد
که حتی در ادارهٔ فکر و خیال تو دست از
سرش برندارد و نتواند کارش را به نحو
أحسن انجام دهد؟

بانو ببین یک نفر اینجا دنبال یک
ملکه برای زندگی‌اش می‌گردد! او حتی
نمی‌گذارد دست به سیاه‌وسفید بزنی!
ظرف بشویی، رخت بشویی، کارِ خانه
کنی! شاید یک روز در کابینت را باز کنی
و ببینی ظرف‌های نشستهٔ نهار را قائم
کرده است تا برگردد و خودش بشوید که

تا همین حد هم تو اذیت نشوی! شاید
هم یک روز اشک‌های بی‌وقفهٔ این مرد
را بر صورتش ببینی و دلت آشوب شود!
بعد که کمی آرام شود بگوید: «خانم! من
زنده باشم و شما رخت بشویی؟»
نمی‌خواهی کمی بیشتر به این مرد
فکر کنی؟ نگاهش کن... بزرگ‌مردی
و گذشتش را ببین! و اگر یک روز
دیر به خانه آمد تعجب نکن! هرچند
لحظه‌شماری می‌کند تا به خانه برگردد
و کنار تو عزیز دلش - باشد ولی فکر
می‌کنی این مرد، تازه دامادهای اداره را
فراموش می‌کند؟ نه! حداقل می‌تواند
یک شیفت به جای آنها بایستد تا
چراغ عشق را در خانهٔ دیگری هم روشن
کند! دلت نمی‌خواهد تو هم شریک
مهربانی‌هایش باشی؟
خیالت راحت که تو عشق اول مردی
خواهی بود که هیچ‌وقت از عشق میان
تو و برادرش به جز خیر و خوشی یاد
نخواهد کرد! باور نمی‌کنی؟ اگر روزی دو
سه بار صدای مردانه‌اش کنار گوش‌ات
بگوید: «خانم منو حلال می‌کنی که
نتونستم مثل حسن دوستت داشته
باشم؟» باور می‌کنی محمدحسین
عجوبهٔ عشق و جوانمردی ست؟!
راستی دختر! با مادری نهفته در جانت
چه می‌خواهی بکنی؟ به عشق فرزندان
هم که شده، محمدحسین را دوباره
به چشم مشتری نگاه کن!... ببین از
حالا اسم فرزندانش را انتخاب کرده
است و دوست دارد آنها را سربازِ امام
زمان تربیت کند! می‌دانی قیمت مردی
که دغدغهٔ تربیت فرزندانش را دارد
قابل محاسبه نیست؟! او می‌تواند در
دوران بارداری حتی تمام کارهای شخصی
تو را به دوش بگیرد تا مادرِ فرزندش،
تنها به عبادت و تلاوت قرآن مشغول
باشد! فکرش را بکن، همسرت بخواهد
با نوارهای روضهٔ مرحوم کافی که گریه

را به این سربازش متمایل کند!... مگر صاحب قلبت، صاحب الزمان علیه السلام نیست؟



نیم دیگر را هم بسیار به محمدحسین، او هم مثل حسن راه‌های دلبری را کم طی نکرده است! خودش با آن اخلاق فوق‌العاده‌اش کاری خواهد کرد که یکدل نه صد دل عاشقش شوی! و نتوانی لحظه‌ای از او جدا شوی... درست جای سخت داستان تو اینجاست که به چنین دلخواهی نباید دل بسته شوی! بیا و بپذیر که خدا خیلی قبل‌تر از تو عاشق این‌هاست، بیشتر از تو دوستشان دارد و شدت اشتیاقش به این دو برادر بیشتر از توست! بیا و بپذیر که محمدحسین هم مثل حسن امانت خداست و هر وقت خدا

می‌کنی توجه بیشتری به نیم‌وجیبی در شکمت داشته باشی! باورت می‌شود این قدر اهل رعایت باشد؟ تازه کجایش را دیده‌ای؟ بگذار این مرد علیرغم مشغله‌ها و فشارهای جنگ هر شب زودتر از تو فرزندان را در آغوش بگیرد و آرام کند تا تو فرصت داشته باشی و وضو بگیری و طهارت غذای پسران حفظ شود! به نظرت نمی‌شود برای زندگی روی این مرد حساب باز کرد؟

قربان آن نگاه نگران و بی‌رمقت که آینه را می‌کاود! در چهره‌ات دنبال چه می‌گردی؟ نکند می‌ترسی که نتوانی بعد از حسن دل به دل مرد دیگری بدهی؟ راستش را بگو، نمی‌خواهی از حسن جدا شوی یا می‌ترسی نتوانی حق همسری محمدحسین را درست به جا آوری؟ نترس عزیز دلم! نیمی از این مشکل را توسل‌های تو حل خواهد کرد؛ از خود حضرت حجت علیه السلام کمک بخواه تا قلبت

بخواهد باید تقدیمش کنی! احسنت بانو! عشق و فراق دست و پنجه نرم کنی! و انشا
اگر اهل رضان بودی که امین خدا نمی شدی الله با صبر و تسلیمی که داری از بانوان
و خدا همسری این دو عزیزش را به تو ثروتمند روز وصال خواهی بود! حالا عروس
نمی سپرد! حالا با افتخار به چهره ات در آینه خانم برای بار آخر می پرسم همسر شهید!
نگاه کن! تو توسط خدا انتخاب شده ای آیا می خواهی دوباره و با افتخار، همسر
و قرار است چند صباحی را در این دنیا با شهیدشوی؟



نام و نام خانوادگی: محمد حسین حصیری بایگی

نام پدر: علی اکبر

تاریخ تولد: ۱۳۲۸/۰۴/۱۰

محل تولد: تربت حیدریه

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۰۴/۰۵

محل شهادت: ابوقریب



نام و نام خانوادگی: حسن حصیری بایگی

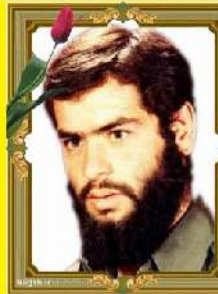
نام پدر: علی اکبر

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۰۵/۰۵

محل تولد: تربت حیدریه

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۰۷/۰۲

محل شهادت: شوش



پی نوشت

۱. این متن، نتیجه مصاحبه نویسنده با همسر شهیدان سرکار خانم رضایی است.



خاطرات یک مشاور ۴

محمدحسین قدیری - دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه
کارشناس ارشد روانشناسی

قدرت همانندسازی

دریکی از جلسات مشاوره، جوانی عراقی مُراجِعَم بود. از برخی رفتارها، مثل مقایسهٔ خود با دیگران یا نیاز مداوم به تأیید بقیه، می‌شد حدس زد احساس ارزشمندی و اعتمادبه‌نفس پایینی دارد. احساس ارزشمندی باتری اعتمادبه‌نفس است که اگر بخوابد، موتور اعتمادبه‌نفس هم از کار می‌افتد. با موافقتِ او خواستم دفتر مخصوصی برای تمرین‌ها در نظر بگیرد. روزی گفتم در منزل بنویسید که طبق حس یا تجربه‌اش چه چیزهایی یا افرادی در افزایش اعتمادبه‌نفسش مؤثرند. مهم‌ترین عاملی که نوشته بود، الگوگیری از زندگی امام خمینی علیه السلام، از کودکی تا بزرگسالی، بود. می‌گفت: مطمئنم اگر

فیلم دوره‌های زندگی ایشان را ببینم، اثر عجیبی بر من دارد. اتفاقاً همان روزها بسته‌ای ویدئویی، اثر حزب‌الله لبنان، از دوره‌های مختلف زندگی امام علیه السلام به دستم رسیده بود. ضمن تمرین‌هایی، بسته‌را در اختیارش گذاشتم. غبطه برانگیز بود. هر بار شکفته‌تر از قبل می‌شد. آثار ویدئوها بر ایشان بیش از هر راهکار دیگری بود.

دو تذکر روان‌شناختی

این مشاوره من را یاد این سخن مولا علی علیه السلام می‌اندازد:
 «إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ فَإِنَّهُ قَلٌّ مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَصِيرَ مِثْلَهُمْ!» [برای ایجاد صفت

مثبتی، مثل بردباری] اگر بردبار نیستی، خود را به بردباری وادار؛ زیرا کم پیش می‌آید کسی خود را شبیه قومی کند و از زمره آنان نشود؛ البته در همانندسازی نباید ایدئال‌نگر و تمامیت‌خواه باشیم؛ بلکه لازم است به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های افراد توجه کنیم؛

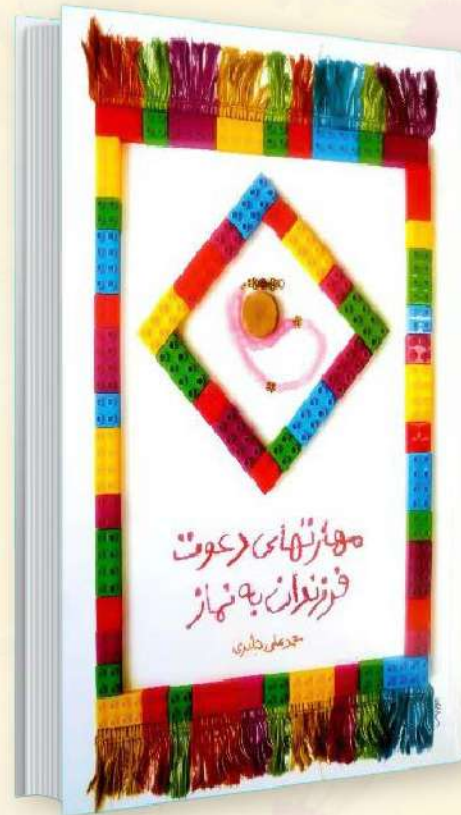
بدانیم برای رسیدن به هدف باید آن را به اهداف کوچک‌تری تقسیم کنیم تا با رسیدن به هر هدف انرژی و انگیزه برای ادامه مسیر پیدا کنیم. اگر سنگ بزرگ نشانه نزدن است، هدف بزرگ هم نشانه نرسیدن است.

پی‌نوشت

۱. نهج البلاغه، محمد بن شریف رضی، انتشارات دارالهجره، قم، ج ۱، ص ۵۶، حکمت ۲۰۷.

چی بخونیم؟

الهام آقا جانی - کارشناس علوم قرآن و حدیث



معرفی اجمالی کتاب «مهارت‌های دعوت فرزندان

به نماز» و برگزیده‌ای از متن کتاب:

کتاب ۲۵۶ صفحه‌ای «مهارت‌های دعوت فرزندان به نماز» به همت جناب آقای محمدعلی جابری تألیف شده و انتشارات معارف در سال ۱۳۹۸ آن را چاپ کرده است. موضوع و هدف این کتاب یادگیری مهارت‌های تبلیغی برای دعوت و ترغیب کودکان و نوجوانان به اقامه نماز و نهادینه کردن این واجب شرعی در آن‌هاست.

پرورش هر موجودی، حتی نباتات و حیوانات، به مهارت‌های بسیاری نیاز دارد. پس برای تربیت انسان‌ها به یقین

تبیین مباحث مهم در تشویق فرزندان به امر پرفضیلت نماز و ثبات قدم آنان در این راه، پرداخته است.



بی‌شک، یکی از دغدغه‌های والدین در عصر پیچیده و دیجیتال کنونی، چگونگی آشناکردن فرزندان به نماز و نهادینه‌سازی آن است. فرزندان مایه چشم‌روشنی والدین اند و سعادت‌مندی‌شان آرزو و خواسته آنان. اما تجربه نشان داده که دعوت به نماز از سر اجبار و بدون تبیین جایگاه و اهمیت آن نه تنها فضیلتی ندارد که ماندگار نیز نخواهد بود:

نیازمند یادگیری بیشتر در هر زمینه‌ای، به‌ویژه تبیین مسئله نماز، هستیم. بدون آگاهی کامل از این مهارت‌ها نباید انتظار داشته باشیم به هدف مطلوب برسیم یا در جامعه هیچ مشکلی نباشد. ضمن اینکه، این‌گونه مهارت‌های آموزشی باید به تناسب وضعیت جامعه پیوسته به‌روزرسانی شود و در اختیار والدین و مربیان محترم قرار گیرد. بنابراین، یکی از مهم‌ترین حوزه‌ها برای ارائه مهارت‌های نماز حوزه تربیت مربی است که باید به‌طور ویژه به آن اهتمام ورزید.

محتوای کتاب

این کتاب با بیانی ساده و روان و از منظر دین مبین اسلام مهارت‌ها و راهکارهایی را در زمینه دعوت فرزندان به نماز ذکر کرده است. نویسنده با استفاده از اشعار متناسب با موضوع، احادیث، داستان‌ها، روایات و... به

«هرکس کاری را شیوه‌مند دنبال کند، نمی‌لغزد و اگر بلغزد، به بن‌بست نمی‌رسد.»^۱

گاهی نیز برخی بر این باورند که «موسی به دین خود، عیسی به دین خود» و در قبال اطرافیان خود بی‌اعتنا هستند. بنابراین، ذکر نکاتی درباره اهمیت این مسئله لازم است. به همین منظور، نویسنده محترم کتاب در **فصل اول** به ضرورت این مسئله پرداخته و در **فصل دوم**، اصول دعوت را در ۱۰ مورد کلی بر شمرده است:

توفیق‌طلبی؛ شناخت‌مداری؛ شروع از خود؛ جامع‌نگری؛ توجه به نیازها و نگرانی‌ها و علایق فرزندان؛ مهرورزی؛ آموزش گام‌به‌گام؛ آسان‌گیری؛ مداومت و تکرار در دعوت؛ استفاده از فرصت‌ها. البته هر کدام از این اصول زیرمجموعه‌هایی دارد که در جای خود بررسی شده است.

مؤلف گرامی در ادامه به دوازده مهارت مهم و سازنده و مشترک برای دعوت کودک و نوجوان به نماز، پرداخته است؛ ابتدا به بیان مهارت‌های مشترک در دعوت کودک و نوجوان پرداخته است؛ مثل تقویت تعقل که شامل مباحثی مانند خواب، اصلاح تغذیه، تمرین دادن به مغز، بازی و مسافرت می‌شود. سپس مهارت‌های دیگری را ذکر کرده است؛ مانند تقویت گرایش‌های فطری، تقویت ایمان به غیب، معرفی صحیح خداوند، تقویت روحیه معادباوری، تقویت محبت اهل بیت علیهم‌السلام، افزایش اعتماد به نفس، انس دادن فرزندان به قرآن، فضا سازی، الگودهی، تشویق و تنبیه، و نظارت.

فصل سوم کتاب نیز در چهار گفتار جمع‌بندی شده است:

اول) ویژگی‌های کودک در دوره اول کودکی؛ دوم) مهارت‌های دعوت خردسالان به نماز؛ سوم) ویژگی دوران دوم کودکی؛

چهارم) مهارت‌های دعوت به نماز در دوران کودکی.

در فصل چهارم نیز برخی مهارت‌های مخصوص مواجهه با «کودکان فاصله‌گرفته از نماز» آمده است. این فصل چهار گفتار دارد: در دو گفتار اول ویژگی‌های دوران نوجوانی و مواردی مانند کمک به هویت‌یابی، استفاده از دوستان و هم‌سالان، زمینه‌سازی برای پیوند نوجوان با مسجد و گروه‌های مذهبی، تغییرهای جسمی و روانی، خواهش‌های متضاد و کنجکاوای ذکر و تبیین شده است.

در بخشی از این فصل می‌خوانیم:

شعر معروف «زاغکی قالب پنیری دید»^۲ تفسیر حال و هوای دوران نوجوانی است. زاغک کلاغی است که هنوز به کمال خود نرسیده و همچون نوجوان در میانه‌های راه کمال است. شاعر توجه نوجوان به معنویت را با

دیدن قالب پنیر بیان کرده است؛ زیرا سفیدی نماد «روح» است و سیاهی نماد «جسم». مصراع «به دهان برگرفت و زود پرید» معنویت‌گرایی نوجوان را تأکید می‌کند؛ زیرا دهان سمبل «بلعیدن»، پریدن سمبل «اوج‌گرفتن» و درخت نشانه «رشد» است. پس مصراع «بر درختی نشست در راهی» اشاره به این است که نوجوان راه خود را یافته و به رشد خود ادامه می‌دهد؛ اما دشمن یا همان روباه پرفریب، نوجوان را به سیاهی یا همان بُعد مادی توجه می‌دهد. نوجوان گرفتار تبلیغ‌های دروغین دشمن می‌شود و می‌کوشد زیبایی‌های جسمانی‌اش را به نمایش بگذارد. اندکی نمی‌گذرد که نوجوان می‌بیند از معنویت تهی شده است! در گفتار سوم از فصل چهارم، مؤلف مهارت‌های دعوت نوجوان بی‌نماز را ضمن بیان مطالبی حول سه محور

ارتباط‌سازی، اعتماد‌سازی و اعتقاد‌سازی ارزش‌سازی، ایجاد بیم و امید، استفاده
برمی‌شمارد. گفتار چهارم این فصل از محبت، استفاده از دوستان و ایجاد
نیز به رفتار‌سازی برمی‌گردد که شامل ناهماهنگی شناختی است.



سخن آخر:

کتاب «مهارت‌های دعوت فرزندان به نماز» علاوه بر اینکه مهارت‌های تربیتی و آموزشی دعوت به نماز را می‌آموزد، گام بسیار خوبی در جهت خودشناسی، خداشناسی و جهان‌شناسی است؛ زیرا در پرتو شناخت انسان و ویژگی‌های او و شناخت جهان هستی و خالق است که می‌توان مسیر یادگیری مهارت‌های لازم برای نیل به سعادت‌مندی را به‌سهولت پیمود و دستاوردهای مطلوبی را کسب کرد. از این‌رو، این کتاب مناسب افرادی است که دغدغه تربیت دینی فرزندان و متربیان خود را دارند و در مسیر اتمام و اکمال رسالت خویش می‌کوشند.

بسی به خانه نشستیم و دامن آلودیم بیا زویم سوی مسجد و نماز کنیم

پی‌نوشت

۱. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۶۸، ص ۳۴۰.
۲. ترجمه منظوم «حبیب یغمایی» از شعر شاعر فرانسوی قرن هفدهم، ژان دو لا فونتن.
۳. دیوان پروین اعتصامی، انتشارات دوستان، ۱۳۹۹، ص ۲۲.



- اون شب قرار بود همه بچه‌های مادر بزرگ برای شام جمع شیم خونه‌ش.
- از همون اول، طبق معمول، بحث‌های سیاسی داغ شد.
- بابا هم از همه عصبانی‌تر!
- ظاهراً همسریکی از مسئولان نامه‌ای به قوه قضاییه نوشته بود و به دستگیری فرزندش اعتراض کرده بود.
- البته این طور که می‌گفتن، نامه خیلی تند و توهین‌آمیز بوده.
- مادر بزرگ هم، مثل همیشه، در بحث مشارکت می‌کرد.
- طبق معمول، اول خوب گوش می‌کرد و زود نظرش رو نمی‌گفت.
- الکی چیزی رو تأیید یا رد نمی‌کرد؛ حساب شده حرف می‌زد.
- خوب که حرف‌ها رو شنید گفت: چون اون خانمه، باید خانم‌ها جوابش رو بدن تا اثرگذار باشه.

- همه ساکت شدن. خدایی نکته‌ظریفی بود.
- عمو گفت: آخه کدوم خانمی می‌خواد جوابش رو بده؟! مردهاش هم جرئت اعتراض ندارن.
- مادر بزرگ محکم گفت: مادران شهدا! مادران شهدا باید جوابش رو بدن.
- بابا گفت: مادر جون! شما خودت مادر شهیدی. جوابش رو می‌دی؟
- مادر بزرگ با شجاعت و غیرت نگاهش کرد و گفت: بله که جوابش رو می‌دم. مگه چون من عزیزتر از این شهداست که از چیزی بترسم؟!
- یکی تون از طرف من نامه‌ای بنویسید، من امضاش می‌کنم.
- داستان جالب شد. بعضی‌ها شاپدته دلشون نگران شدن. بعضی‌ها هم جدی نگرفتن.
- به هر حال، کسی جرئت مخالفت با این همه اقتدار رو نداشت.
- اون جور که با بارفت تو فکر، حدس می‌زدم داره حرفای مادر بزرگ رو تو ذهنش دسته‌بندی می‌کنه و جدی جدی می‌خواد برایش بنویسه.
- مامان، زن عمو و عمه‌ها با پهن کردن سفره، ختم جلسه اون روز رو اعلام کردن.
- مادر بزرگ هم مثل همیشه بالای سفره نشست و با محبت برا همه مون غذا کشید.
- اون شب همه رفتن و ما خونه مادر بزرگ خوابیدیم.
- صبح با صدای بابا بیدار شدم. داشت پیش نویس نامه‌ای رو که نوشته بود، برا مادر بزرگ می‌خوند و جمله به جمله، اصلاحیه‌های مادر بزرگ رو وارد می‌کرد.
- از نگاه نافذ و سرتکون دادن‌های مادر بزرگ کاملاً می‌شد رضایتش رو از متن نامه حس کرد.
- خیلی مطمئن می‌خواست به تصمیمش عمل کنه.
- پچ‌پچ‌هاشون تموم شد.
- بابا نامه رو پاک نویس کرد و شروع کرد با صدای بلند خوندن:



بسم الله قاسم الجبارين و هادم شوكة المتكبرين

سرکار خانم.....

السلام علينا و على عباد الله الصالحين

گویا در خانواده شما سلام کردن رسم نیست: آن از نامه بدون سلام و والسلام همسرت به مقام معظم رهبری علیه السلام و این از نامه بی سلام تو به مسئولان قضایی. امیدوارم این سلام نکردن ها صرفاً از سر کم تربیتی باشد، نه ناشی از روحیه استکبار و خودپرستی!

بخشی از نامه شما سؤالاتی بود که با عنوان خانواده..... امضا شده و احتمالاً کار وکلای شماست که جواب آن را مسئولان قضایی خواهند داد؛ ولی پاسخ من به بخش اول نامه است که به امضای شما رسیده است: البته لحن آن هم با روحیه شما تناسب دارد.

سرکار..... خانم! مسئولیت تربیت خانواده بر عهده زن خانواده است. خوب است به جای تهمت زدن به مسئولان کشور، ببینی که در کجای کار تربیت فرزندان کم گذاشته‌ای که حالا مجبوری هر روز برای ملاقات با یکی از آن‌ها به زندان بروی! سرکار..... خانم! خوب است یک بار هم که شده، زندگی‌ات را بررسی کنی:

لقمه‌ای که همسرت آورده؛ شیری که داده‌ای و تربیتی که کرده‌ای.

من نمی‌دانم مشکل کارتان کجاست؛ ولی بهتر است بین خودت و خدا زندگی‌ات را مرور کنی.

همه می‌دانند در خانه هر چه که هست، از خوبی و بدی، از زن خانه است. شما که روزی مدعی حرکت در مسیر انقلاب و خدمت به خانواده شهدا بودید، واقعاً چرا امروز خود را صاحب نظام و اثرگذارتر از خون شهدا می‌پندارید؟!

سرکار..... خانم! من به عنوان مادر دو شهید، دو جانباز، عمه و خاله شهید، هرچه داشتم، برای انقلاب و امام علیه السلام هدیه کردم. آن روز که شوهرت را یار امام علیه السلام می‌شناختیم، من و همسر و فرزندانم برای حمایت از همسرت چه شعارها که سرندادیم و برای آنکه همسرت با خیالی آسوده‌تر بر صندلی ریاست تکیه بزنی، در خیابان‌های همین تهران چه کتک‌ها که نخوردیم!

وقتی تو با همسر و عزیزدردانه‌هایت کنار سد تفریح می‌کردید، من که فرزندانم را به جبهه فرستاده بودم، با دیگر مادران شهدا و ایثارگران برای رزمندگان شال و کلاه می‌بافتیم. ولی امروز دیگر دیروز نیست....

سرکار.....! بدان که سهم من و بسیاری از مادران شهدا از انقلاب، آن‌هم بعد از هفده سال انتظار، یک پلاک و مشتی استخوان بود که به آن افتخار می‌کنم و آن را کنار باقی شهیدانم دفن کردم؛ ولی عکس آن را برایت می‌فرستم تا فراموش نکنی که این انقلاب نه مال خانواده تو و نه هیچ‌کس دیگری است.

تا خانواده شهدا و نسل شهدا هستند، هرگز اجازه سهم خواهی از این انقلاب را به هیچ مستکبری نخواهند داد.

سرکار..... خانم! بدان که:

متاع کفر و دین بی‌مشتی نیست گروهی آن گروهی این پسندند

ادامه دارد...



بازی - گوشه ۷

مؤسسه تربیتی رسانه‌های مآذنه
سیدمحمد حسن مدرس مصلی
دانش پژوه سطح ۳ حوزه علمیه
کارشناس بازی‌های ویدئویی

ORI and the will of the wisps

بازی کامپیوتر (windows, Xbox, Nintendo switch)

سن مناسب: بالای ۱۰ سال



داستان بازی، در مورد موجودی نورانی به نام "اوری" است که سعی می‌کند با دوستی و عشق و حمایت اطرافیان، جنگل را از شر تاریکی خلاص کند. بازیکن در طول بازی یاد می‌گیرد ظرفیت و غنای محیط‌زیست

بالاست و می‌فهمد چگونه از محیط‌زیست برای بهبود قابلیت‌هایش استفاده کند. از طرفی "اوری" در طول بازی با احساسات مختلفی روبرو می‌شود و بازیکن یاد می‌گیرد چگونه با آن‌ها کنار بیاید. این بازی می‌تواند تجربه مناسب و هیجان‌انگیزی بین والدین و فرزندان باشد و مسائلی همچون دوستی و همکاری و همدلی را یاد دهد.

تیزبال

بازی موبایل (Android)

سن مناسب: بالای ۱۰ سال



بازیکن در این بازی به عنوان یک خلبان ارتش، به جنگ با متجاوزان خاک کشور می‌رود. با اینکه سبک بازی "اکشن" است اما خشونت و خونریزی در بازی وجود ندارد و صرفاً هدف بازیکن، نابودی هواپیماهای دشمن است. از نقاط مثبت این بازی ایرانی، گرافیک خوب، توجه به طراحی جزییات فنی جنگنده‌ها و موسیقی حماسی آن است. بازیکن بانام مأموریت‌ها و همین‌طور خلبان‌های دوران دفاع مقدس آشنا می‌شود؛ و این فرصت مناسبی برای طرح مسائلی همچون فداکاری‌های دوران جنگ، تفاوت بین دفاع و تهاجم و ... برای فرزند می‌باشد. هیجان بازی بالاست و توصیه می‌شود زمان کمی در طول روز به این بازی اختصاص یابد.



ذهن‌های سرگردان (۱)

میلاد شعبانی - دانش آموخته سطح ۲ حوزه علمی
دانش پژوه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی

خلاصه می‌شود در همان عطرِ برنج ایرانی. با اینکه پنجاه سال از اولین فسنجانی که پخته می‌گذرد، اما طوری آشپزی می‌کند که گویی اولین بار است.

مهدی روزی چند بار به نتایج کنکوری که نداده، فکر می‌کند: رتبه‌ای معادل شماره شناسنامه‌اش کسب می‌کند؛ شانس تحصیل در دانشگاه مورد علاقه‌اش را از دست می‌دهد و به آن کاری که دوست دارد نمی‌رسد. این فکرها تمامی ندارد و

ننه جواهر مشغول تکه‌تکه کردن پیازهای سفیدی است که دیشب با حاج آقا محسن از میوه‌فروشی محله خریدند. صدای تیغ تیز چاقوی آشپزخانه که بر تن پیازهای تازه می‌نشیند، با اونجویی عاشقانه دارد. بوها، مزه‌ها و بافت مواد غذایی، همه و همه با او حرف می‌زنند. وقتی غذا را مزه‌مزه می‌کند، گویی تمام یاخته‌ها (سلول‌ها) یش تبدیل به سلول‌های گیرنده مزه می‌شود و وقتی در قابلمه را برمی‌دارد، انگار تمام دنیا

سفر در زمان



به مثال‌های بالا دقت کنید. چه چیزی دست‌گیرتان می‌شود؟ ننه جواهر دارد آشپزی می‌کند و با تمام وجود غرق کارش شده و از آن لذت می‌برد. او در اینجا و اکنون حاضر است؛ اما مهدی و زینب چه؟ گویی آن‌ها در زمان سفر کرده‌اند: یکی در آینده است و دیگری در گذشته. سفر در زمان آرزوی دیرینه بشر بوده و هرآزگاهی دست‌مایه برخی فیلم‌های علمی‌تخیلی مانند «پنجمین خورشید» می‌شود تا تحقیقی نمادین برای این خواسته و آرزو باشد. بگذریم. بحث ما کمی متفاوت است. ما از سفر جسمانی سخن نمی‌گوییم؛ چراکه زینب و مهدی به وضوح در اینجا و اکنون حضور جسمانی دارند. ما از سفر ذهنی

اگر کمی بیشتر طول بکشد، احتمالاً در خیابان‌ها مشغول گدایی‌کردن شود. زینب با گذشته تلخ خود دست‌وپنجه نرم می‌کند. او در حال کلنجار رفتن با خاطرات تلخ جدایی است. مدام از خودش می‌پرسد: آخر، چرا من؟! مگر من چه گناهی کرده‌ام؟! وای خدایا! حالم بد است! چه روزهای خوبی داشتیم...؛ اما الآن چه! نمی‌توانم خیلی خوشحال باشم.

بیایید ببینیم شخصیت‌های این نوشته مشغول انجام دادن چه کارهایی هستند: اول از مهدی و زینب شروع می‌کنیم. مهدی مانند هر دانش‌آموز پشت‌کنکوری، در کلاس کنکور مشغول گوش‌دادن به توضیحات استاد دربارهٔ معادلات دیفرانسیل است. زینب هم، طبق سنت دیرینهٔ چهارشنبه‌ها، برای دیدار با دوستانِ دوران دانشگاهش به خانهٔ یکی از آن‌ها رفته است. اما ننه جواهر چه کار می‌کند؟ شما پاسخ دهید.

سخن می‌گوییم؛ چیزی شبیه وقت‌هایی که خاطرات اولین آشنایی‌تان با طلبه جوانی را مرور می‌کنید که سال‌ها پیش منجر به ازدواجتان شد.^۱

واقعیت این است که انسان‌ها توانایی‌های بسیاری دارند. شاید یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های انسان و حیوان این است که انسان‌ها قادرند مرزهای زمان و مکان را ب‌درند و در آن‌ها سفر کنند.^۲ سفر ذهنی در زمان بازسازی ذهنی حوادثی است که در آینده ممکن است اتفاق بیفتد یا در گذشته اتفاق افتاده است. انسان‌ها از این طریق به درک پیوستگی میان گذشته و حال و آینده می‌رسند.^۳

بانگاهی‌گذرا به برخی منابع اسلامی متوجه می‌شویم که در ادبیات دینی نیز با تعبیری به سفر زمان و فواید آن اشاره شده است؛ مثلاً در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «کسی که عاقبت کار خود را در نظر نگیرد، حازم و دوراندیش نیست.»^۴ به علاوه، در

روایت دیگری از امیرالمؤمنین علیه السلام شاهد تأکید آن حضرت بر درس‌گرفتن از تجربیات گذشته هستیم.^۵

فائق‌آمدن بر محدودیت‌های دنیای مادی انسان‌ها را قادر می‌سازد که از تجربیات گذشته خود درس بگیرند، آینده را پیش‌بینی کنند و در انتخاب‌هایشان بهترین‌ها را برگزینند.^۶

همین توانمندی‌هاست که در انسان‌ها ویژگی‌هایی چون آینده‌نگری را به وجود می‌آورد که آن‌ها را قادر می‌سازد موقعیت‌ها را براساس نتایج احتمالی آن‌ها ارزیابی کنند و دست به تصمیم‌گیری بزنند؛^۷ مثلاً شما سالانه مبلغ زیادی برای انواع بیمه‌ها هزینه می‌کنید تا خاطر‌تان آسوده شود. افزون بر آینده‌نگری، انسان‌ها می‌توانند از تجارب گذشته خود درس‌های مهمی بگیرند؛ مثلاً می‌آموزند که برای کسب نمره دل‌خواه باید از اول ترم تلاش کنند تا نمره تک‌رقمی ریاضی («۷») تکرار نشود.

یک جای کار می‌لنگد

همان‌گونه که دیدیم، ما انسان‌ها قادریم به گذشته و آینده سفر کنیم و از این توانمندی برای ساختن یک زندگی سالم و موفق استفاده کنیم؛ اما این پایان ماجرا نیست. مانند هر موهبت دیگری، استفاده نادرست از این امکان هزینه‌های زیادی روی دست برخی افراد، مانند زینب و مهدی، می‌گذارد؛ زیرا هزینه تفکر درباره زمان‌ها و مکان‌هایی غیر از اکنون و اینجا، مساوی است با ازدست‌دادن تک‌تک لحظاتی که در حال سپری شدن هستند. زینب بیش از حد به گذشته فکر می‌کند و مهدی پیوسته دل مشغول آینده است. این مسئله باعث شده ذهن آن‌ها مدام در گذشته و آینده پرسه بزند و ارتباطشان را با «لحظه حال» از دست بدهند. در واقع، ذهن این افراد تبدیل به چیزی شده که آن‌ها را طبق نظریه برخی پژوهشگران غربی، «ذهن‌های سرگردان» می‌خوانیم.^۸

راستی، شما چه؟ شمایی که در حال خواندن این نوشته هستید، موقع خواندن این جملات به چه فکر می‌کردید؟ آیا شما هم مانند شخصیت‌های خیالی این نوشته (به جز ننه‌جوهر که شاید در آینده از او بیشتر برایتان بگویم) دچار سرگردانی ذهن شده بودید؟ یا اینکه با تمام وجود با کلمات همراه بودید؟ بگذارید کمی بیشتر درباره این نظریه برخی پژوهشگران غربی بگویم. پژوهشگران نرم‌افزاری روی گوشی‌های هوشمند نصب کردند که به صورت تصادفی، در ساعات مختلفی از روز، سؤالاتی با کاربران مطرح می‌کرد. (قبل از مطرح کردن سؤالات، از شما می‌خواهم یک برگ کاغذ و یک خودکار آماده کنید و شما هم مانند ۲۲۵۰ مشارکت‌کننده این پژوهش، به سؤالات پاسخ دهید.) سؤالات عبارت بودند از:

۱. مشغول انجام دادن چه کاری هستید؟
۲. به چه چیزی فکر می‌کنید؟ (آیا به چیزی

غیر از فعالیت فعلی فکر می‌کنید؟)
 ۳. چه احساسی دارید؟
 بیایید ببینیم پژوهشگران چه نتیجه‌ای
 از این پژوهش به دست آوردند.
 مهم‌ترین یافته آنان این بود که وقتی
 میزان شادی افراد را مقایسه کنیم،
 متوجه می‌شویم که به‌طور معمول،
 وقتی افراد دچار سرگردانی ذهن هستند،
 کمتر شادند و این امر در همه فعالیت‌ها
 اتفاق می‌افتد؛ یعنی مهم نیست که در
 حال آسپزی باشید یا با دوستانتان در
 حال خوش‌گذرانی؛ همین که ذهنتان
 سرگردان باشد، نمی‌توانید شاد باشید.
 اجازه دهید مطالب خود را با شعری
 منسوب به امیرالمؤمنین علیه السلام به پایان ببرم:
مَا فَاتَ مَضَىٰ وَ مَا سَيَّاتِكَ فَأَيْنَ؟
فَمَ فَاغْتَمِ الْفُرْصَةَ بَيْنَ الْعَدَمَيْنِ؟
 برای ترجمه به همسر محترم خود
 مراجعه فرمایید.

ادامه دارد...

پی‌نوشت

۱. The evolution of foresight: What is mental time travel, and is it unique to humans?, Suddendorf, . 1
 .Thomas & Corballis Michael C, BEHAVIORAL AND BRAIN SCIENCE, 2007, 30, 299-300
۲. هیجان در درمان، استفان جی هافمن، ترجمه زهرا زنجانی و سیدرضا الوانی، نشر ارجمند، تهران، چ ۱، ۱۳۹۸،
 ص ۱۷۲-۱۷۴.
۳. The evolution of foresight: What is mental time travel, and is it unique to humans?, Suddendorf, . 3
 .Thomas & Corballis Michael C, BEHAVIORAL AND BRAIN SCIENCE, 2007, 30, 299-300.
۴. امالی، محمدبن حسن طوسی (شیخ طوسی)، انتشارات دار الثقافة، قم، چ ۱، ۱۴۱۴ق، ص ۳۰۱.
۵. عیون الحکم و المواعظ، علی بن محمد لیثی واسطی، انتشارات دارالحدیث، قم، چ ۱، ۱۳۷۶، ص ۲۳.
۶. «پیش‌بینی سلامت روان براساس ویژگی‌های شخصیت و آینده‌نگری (حزم)»، میلاد شعبانی و نوید خاکبازان
 و مهدی دریس، روان‌شناسی و دین، ۱۴۰۱، ش ۱۵، ص ۲ (پیاپی ۵۸)، ص ۲۱۹-۲۳۲.
۷. «تبیین سازۀ 'حزم' (آینده‌نگری) براساس اندیشه اسلامی»، نوید خاکبازان و حمید رفیعی هنر، فصلنامه
 معرفت، ۱۳۹۶، ش ۱۰.
۸. این نام‌گذاری برگرفته از نظریه «کلینگرور و گیلبرت» است: (A wandering mind is an unhappy mind).
 Killingsworth, M. A., & Gilbert, D. T., Science (New York, N.Y. ۲۰۱۰، ۳۳۰(۶۰۰۶)، ۹۳۲.
۹. عُرُز الحکم و دُرُز الکلم، عبدالواحد تمیمی آمدی، ترجمه مهدی رجایی، دارالکتب الاسلامی، قم، ۱۴۱۰ق، چ ۱، ص ۲۲۲.

الفبای تربیت ۲

مسائل والدین در مسیر تربیت صحیح فرزندان

محمد حامد مبینی راوندی - دانش آموخته سطح ۴ تفسیر قرآن و تعلیم و تربیت اسلامی



در شماره هفتم این ماهنامه، به بیان برخی از مسائلی که در مسیر تربیت فرزندان با آن‌ها مواجه هستیم، پرداخته شد؛ ابهام در خواسته‌ها، ابهام در روش، عدم شناخت مناسب از فرزندان و... در این یادداشت ادامه مسائلی را ذکر می‌کنیم.



نقاط ضعف و قوت فرزندان خود را کشف کنیم؟ آیا روش درست محبت کردن به آنان را بلد هستیم؟ چون ما از کودکی و به‌طور طبیعی نزدیک‌ترین فرد به فرزندان خود هستیم، باید در

عدم توانایی والدین در برقراری ارتباط با فرزندان
در مسیر تربیت فرزندان، علاوه بر هدف و روش مناسب، باید با آن‌ها ارتباط مناسبی نیز داشته باشیم. گاهی باید از خود بپرسیم: آیا ما می‌توانیم

سنین مختلف این نزدیک بودن را حفظ کرده، به عنوان بهترین دوست آنها در خاطرشان شناخته شویم؛ چراکه اختلاف نسل و تفاوت دغدغه‌های برخی از ما با فرزندان، موجب می‌شود هر روزه بین ما شکاف بیش‌تری ایجاد شود؛

دارد، موجب بازخواست‌های بیش‌تر توسط مادر از فرزند می‌شود و چون فرزند این مقدار بازخواست را در موارد مشابه از پدر خانواده دریافت نمی‌کند، این چنین حس می‌کند که مادر به او زیاد گیر می‌دهد و موجب دوشخصیتی شدن فرزند یا حتی سوءاستفاده او از شکاف ایجاد شده بین والدین می‌شود؛

۵ عدم هماهنگی والدین در تربیت

۷ توجه نکردن به نیازهای تربیتی فرزندان



گاهی والدین فکر می‌کنند اگر آسایش فرزندان را فراهم کنند، تربیت آنان محقق شده است. در صورت وجود چنین نگاهی، تربیت محدود به مادیات و رفاه



پدر و مادر باید مدام در مسائل تربیتی فرزندان خود با یکدیگر گفت‌وگو کرده، به عملکرد و راه‌حل‌های مشخصی دست یابند که در عمل بین آنها تضادی حس نشود. به عنوان مثال، میزان رعایت نظم و نظافت شخصی و عمومی که معمولاً در نگاه مادران بسیار بیش‌تر از پدران اهمیت

شده، طبیعتاً نه زمانی برای ارتباط‌گیری صحیح با فرزند خود داریم و نه حوصله‌ای برای این کار. در این صورت، هرگز فرزندانمان از داشتن امکانات سیر نخواهند شد و همیشه امکانات بهتر و به‌روزتری را از ما درخواست خواهند کرد و همین امر موجب توقع‌های بیش‌تر او از ما شده، چون هرگز نخواهیم توانست به تمام خواسته‌های او جواب مثبت دهیم، در نتیجه موجب دوری بیش‌تر عاطفی او با ما خواهد شد. بنابراین، به‌جای کار بیش‌تر برای فراهم آوردن امکانات برای فرزندان، باید مقداری از زمان خود را مستقلاً به او اختصاص دهیم. مثلاً با اختصاص زمانی برای بازی با آن‌ها، گاهی با طراحی برنامه‌ای مشخص برای دورهمی با خانواده و گاهی با شرکت در برنامه‌های مختص به فرزند که برای او مهم است، مانند شرکت به‌عنوان تماشاگر در مسابقات ورزشی او و... او را به سمتی

که خودمان می‌خواهیم، بکشیم تا در مواردی که تشخیص می‌دهیم مصلحت وی چیزی غیر از خواسته‌اوست، بتوانیم آن خواسته‌اوارا رد کنیم؛

🌟 تحقق نیافتن اهداف در خود والدین

برخی از ما به دنبال محقق کردن اهداف و رفتارهای تربیتی در فرزندان خود هستیم، در حالی که خودمان هنوز به آن اهداف و رفتارها دست پیدا نکرده‌ایم. در روایات اسلامی از قول امام صادق علیه السلام آمده است که با اعمال خود دیگران را اصلاح کنید، نه با زبانتان! به‌طور مثال، ممکن نیست پدر و مادری که دروغ می‌گویند، از فرزند خود انتظار صداقت داشته باشند!

اگر ما به دنبال تربیت صحیح دینی فرزندان خود هستیم، باید ابتدا تلاش مضاعفی داشته باشیم که خصوصیات موردتوقع از فرزندان را در خود پدید آوریم؛

⚠️ سوءاستفاده فرزندان از نقاط ضعف والدین

باید به گونه‌ای رفتار کنیم که نزد فرزندانمان دارای جایگاه و اعتبار باشیم؛ چون فرزندان در برخی سنین به مقداری باهوش هستند که می‌توانند با کشف نقاط ضعف ما و استفاده از آن‌ها، به خواسته خود دست یابند. به عنوان مثال، برخی مادران شدیداً به فرزندشان وابستگی عاطفی دارند و این وابستگی و محبت را به قدری بروز داده‌اند که فرزندشان مطمئن است هر کاری انجام

دهد، باز هم با عکس‌العمل شدیدی از طرف مادر مواجه نخواهد شد. برخی فرزندان با کشف چنین نقاط ضعفی، آن‌گونه که خودشان می‌خواهند، روند رشدشان را پیش می‌برند؛

۹ بی‌توجهی به ظرفیت‌های تربیتی موجود

برخی از مادر مسیر تربیت، تنها عمل کرده و به ظرفیت‌های پیرامون، مانند: مدرسه، مسجد، کانون‌های فرهنگی، پایگاه‌های بسیج، مؤسسات آموزشی، باشگاه‌های ورزشی، رسانه و فضای مجازی، دوستان فرزندان، فامیل‌ها و آشنایان، معلمان و مربیان و... هیچ توجهی نداریم. این‌ها هرکدام یک ظرفیت تربیتی هستند که با برنامه‌ریزی مناسب و به موقع، باید آن‌ها را به اندازه لازم، مثلاً در تعطیلات تابستان یا اوقات فراغتی که برای فرزندان ایجاد می‌شود، در راستای تربیت فرزندان خود به‌کار گیریم؛



۱۵) عدم توجه به مشکلات و موانع محیطی

برخی از والدین با اعتماد زیاد نسبت به فرزند خود یا بی‌توجهی به محیط‌هایی که او در آن‌ها حاضر می‌شود، فقط تربیت را در حیطه ارتباط خود با فرزندشان پیگیری می‌کنند. این در حالی است که بسیاری از مسائل تربیتی فرزند، نشأت گرفته از محیط نامناسب برخی مدارس، گروه دوستان و نیز محتواهای موجود در فضاهای مجازی و رسانه هاست، پس باید ضمن بهره‌گیری تربیتی از چنین فضاهایی، توجه لازم را به موانع یا مشکلاتی که ممکن است در مسیر تربیتی فرزندمان ایجاد کنند، داشته باشیم و حتی برای ایجاد محیط مناسب برای فرزندمان طرح و نقشه داشته باشیم.

شناخت برخی گروه‌ها مانند گروه‌های جذاب دوستان در مساجد و هیئات و سوق دادن فرزندمان به این گروه‌ها، موجب جلوگیری از آسیب‌پذیری وی از محیط‌های بیرونی خواهد شد. البته لازم به ذکر است که توجه به چنین محیط‌هایی به معنای جاسوسی و نظارت مستقیم و شدید در این مسائل نیست.



برای مطالعه بیشتر تر:

من دیگر ما (مهارت‌های تربیت فرزند در دنیای امروز)، محسن عباسی ولدی، انتشارات جامعه الزهراء علیها السلام، قم، ۱۳۹۲ ش.

پی‌نوشت

۱. «كُونُوا دَعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَ لَا تَكُونُوا دَعَاةَ بَأْسِكُمْ». بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۶۸ ش، ج ۵، ص ۱۹۸.
۲. ر.ک: تعلیم و تربیت هوشیارانه فرزندان، سوزان استیقلمن، ترجمه: علی پناهی، انتشارات نسل نواندیش، تهران، ۱۳۹۶.

رضیه جبریل زاده - کارشناس ارشد مشاوره خانواده

صدای مشاور (۱)

● خانم ۲۶ ساله، متأهل، دارای مدرک دیپلم ● مشکل: بی‌خوابی و عصبی بودن.



من مُدام سر دختر چهارساله‌م داد می‌زنم. بچه‌م موقع حرف زدن پرخاشگری می‌کنه. چه کار کنم با داد حرف نزنم؟

از اینکه مشکل خودتون رو با ما در میون گذاشتید سپاسگزاریم. متوجه نگرانی شما برای مشکل به وجود آمده هستیم.

قبل از هرچیز، به این توجه کنید که شما مادریده. همچنین باید توجه ویژه‌ای داشته باشید که در جایگاه همسر نیز هستید.

بنابراین، شما تنها نیستید و کسانی که اطراف شما هستن، به خُلقیات و رفتار و اخلاق شما وابسته هستن. پس برای اینکه آرامش رو اول نصیب خودتون و بعد افراد زندگی‌تون کنید، باید برای مهار خشم و برگردوندن آرامش به خودتون اقدام کنید.

اگه این‌طور فکر کنید که «من نمی‌تونم» یا «نمی‌شه»، قطعاً موضوع این جور پیش می‌ره. پس باید مطمئن باشید که توانایی تغییر رفتار رو دارید! قدرت خودتون رو باور کنید و بدونید اگه بخواید می‌تونید!

این نکته بسیار ضروری رو بگیم که بروز خشم و عصبانیت و احساسات منفی اصلاً

چیز بدی نیست؛ اما لازمه که شیوه درست بیان کردن این احساسات رو بدونید. مثلاً وقتی از چیزی ناراحتید، با داد و فریاد اون رو بیان نکنید؛ بلکه در کمال آرامش و در فرصت مناسب درباره‌ش صحبت کنید. حتی اگه از فرزندتون ناراحت شدید، با خودتون بگید فقط چهار سالشه و دلیل این خشم و عصبانیت من و با این شدت، متوجه نمی‌شه! اگه شما این جور فکر و رفتار نکنید، قطعاً اونم از شما و رفتار شما یاد می‌گیره و آینده فرزندتون داره پر خاشاک و با مشکلات فراوان.

در ادامه چند نکته عرض می‌کنیم که امیدواریم

مفید باشه!

۱ برای مهار کردن خشم راهکارهای زیادی هست؛ اما قبل از اون باید زمان عصبانی شدنتون رو بشناسید و در همون لحظه سعی کنید از ۲۰ به عقب بشمرید تا ضربان قلبتون پایین بیاد و در لحظه عصبانیت اقدامی نکنید. بعدش، تو ذهن

خودتون کلمه آرام بخشی رو پیوسته تکرار کنید. مثلاً بگید: «من آرام هستم» و به این طریق آرامش رو به خودتون برگردونید. اگه بتونید در لحظه عصبانیت عکس العملی از خودتون بروز ندید، بعد از آرام شدن منطقی‌تر عمل می‌کنید. ورزش و قدم زدن از راهکارهاییه که به دلیل اکسیژن رسانی به خون و مغز موجب کاهش اضطراب‌ها، نگرانی‌ها، کم‌خوابی‌ها و پریشونی‌های شما می‌شه.

همچنین یکی از راهکارهای بسیار مؤثر اینه که تو موقع عصبانی شدن انرژی خودتون رو مثبت خرج کنید و عکس‌العمل معکوس انجام بدید؛ مثلاً تو همان زمانی که عصبانی هستید و تصمیم گرفته‌ید فرزندتون رو کتک بزنید، اونو تو آغوش بگیرید و با آرامش و نوازش باهاش صحبت کنید.

یکی از راهکارهای دیگه اینه که مکان عصبانیت رو ترک کنید؛ مثلاً اگه تو اتاق از فرزندتون عصبانی شدید، لحظاتی اتاق رو

ترک کنید و توی آشپزخونه مشغول کار
شید یا حالت بدن رو تغییر بدید همونطور
که اهل بیت علیهم السلام فرمودند: «فَأَيُّمَا رَجُلٍ
عَضِبَ عَلَى قَوْمٍ وَ هُوَ قَائِمٌ فَلْيَجْلِسْ
مِنْ قَوْمِهِ ذَلِكَ فَإِنَّهُ سَيَذْهَبُ عَنْهُ رَجَزُ
الشَّيْطَانِ؛ هر مردی که در حال ایستاده به
خشم آمده، بنشیند؛ زیرا در این صورت به
زودی پلیدی شیطان بیرون می رود و اگر
نشسته، باید بایستد.»^۱

یکی از دلایل ناتوانی در مهارت عصبانیت،
جسمیه؛ یعنی عصبانیت شما و ناتوانی در
مهارت کردنش ریشه در جسم شما داره.
گاهی تغییر هورمون های اکم خونی و کمبود
برخی ویتامین ها موجب چنین رفتارهایی
می شه و فرد قادر نیست به خودش
مسلط باشه. پیشنهاد می کنیم خیلی

زود به آزمایش خون کامل بدید تا متوجه
باشید که آیا کمبود ویتامین یا مواد ضروری
تو بدن شما هست یا خیر.

یکی از دلایل اصلی ناتوانی در مهارت کردن
خشم، در ذهن شماست؛ مثلاً اگه با
همسرتون دچار مشکل شدید و به خاطر
تنش هایی که با ایشون دارید، آرامش
ندارید، این ذهن خسته و ناآرام شما گاهی
باعث خشم و عصبانیت شما می شه. اگه
می خواهید این حالت رو مهار کنید، باید
مشکل رو از ریشه حل کنید.

امیدواریم مطالب گفته شده شما رو در
حل مشکل به وجود آورده یاری کنه.
اگه در مورد این مطالب سوالی براتون پیش
اومد، خوشحال می شیم با ما مطرح کنید.
بهترین ها رو براتون آرزو مندیم.

پی نوشت

۱. رک: خشم را قورت بده؛ مهارت مدیریت خشم با نگاهی به منابع اسلامی و روان شناختی، مجید جعفری
هفته، انتشارات مؤسسه امام خمینی علیه السلام، قم، ۱۳۹۲.
۲. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۹ ه ق، ج ۲، ص ۳۰۲.



صویر: حسینی - کارشناس ارشد شبهه‌شناسی

بازی با هویت زن در دنیای غرب

امام حسین علیه السلام انجام دادیم، ایشان در گفت‌وگو با ماهنامه «خانواده مبلغان»، از زن و جایگاه آن در دنیای امروز برایمان گفتند؛ از روندی که زنان در طول تاریخ سپری کرده‌اند و جایگاهی که امروزه در آن نقش ایفای می‌کنند.

در ابتدا، از جایگاه زن در غرب در دوران

قرون وسطا بفرمایید.

در دوران قرون وسطا، حتی در تعلیم تحریف شده دین مسیحیت، نیز حقوقی

با توجه به اینکه امروزه دشمن به کمک رسانه، به دنبال تبلیغ زندگی بدون ازدواج، حیازدایی از زنان و دختران، اعتمادزدایی بین همسران، ناامیدسازی نسل جوان از آینده و ناکارآمد ساختن بنیان خانواده‌هاست و خانواده‌های مبلغان و همسران طلاب، با این مسائل و چالش‌ها روبرو هستند، از این رو گفت‌وگویی با حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی سعیدی، دکترای علوم سیاسی و کارشناس امور فرهنگی و عضو هیئت علمی دانشگاه

برای زن دیده نشده است. در آن دوران، زن نماد حیوانیت انسان شمرده می‌شد و نه تنها نباید محترم شمرده می‌شد، بلکه باید از آن دوری می‌شد. در آن دوران، زن از حقوق اولیه بشری برخوردار نبود و در جایگاه خلقت و آفرینش نیز طفیلی مردان بود؛ زیرا طبق باورهای دین تحریف‌شده مسیحی، از گِل اضافه مردان خلق شده است!

با طغیان غرب و آغاز دوران جدید موسوم به «اومانیزم» و «سکولاریسم»، زن که تا دیروز فقط ابزاری جنسی برای مردان خانواده بود، از پستو بیرون آمد و به ابزاری عمومی برای برخورداری اشتراکی مردان هوس‌باز در غرب بدل شد و این، همه به نام «آزادی زن» دنبال می‌شد!

به واقع، از قرن هفدهم به بعد، در غرب نهضتی درزمینه مسائل اجتماعی و در قالب «حقوق بشر» پدید آمد که در آن، نویسندگان و متفکران غرب، افکار خود را در

قالب دفاع از حقوق طبیعی و فطری بشر، با دوماحور «آزادی» و «تساوی» حقوق زن و مرد مطرح کردند و حتی مدعی شدند که بدون تأمین آزادی زن و تساوی حقوق او، سخن راندن از آزادی و حقوق بشر بی‌معناست. آن‌ها کلید تمام مشکلات اجتماعی و خانوادگی زنان را در حل این مسئله دانستند؛ اما این سخنان فریبنده و پوچ، در راستای اهداف مادی و استثمارگری جامعه غرب است، نه احقاق حقوق واقعی زن.

اوج انحراف در غرب از کجا آغاز شد؟



اوج انحراف در غرب آنجا بود که زن در خدمت رشد نظام سرمایه‌داری جایگاه یافت! در ابتدا، زن به‌عنوان نیروی کار ارزان‌قیمت، از خانه بیرون آمد و در کنار

انواع و اقسام زنانِ رنگارنگِ خودنمایی می‌کنند تا چشمانِ هوس‌رانِ مردان را پُر و جیب‌هایشان را به نفع سرمایه‌داران خالی کنند!

تداوم این وضعیت موجب شده که زن در فرهنگ غرب، هرچند ادعای آزادی جسم و در اختیار داشتن تن خود را دارد، اما در مسیر عربانی و در مسیر التذاذِ بیشترِ مردان حرکت کند که حاصلش افزایش روزافزون تجاوز به زنان است. در غرب، روزبه‌روز از سن قربانیان تجاوز و تعدی کاسته و از دل آن، صنعت بسیار پردرآمد «سکس» خلق شده است.

امروزه، در نظام اجتماعی غرب، زن کاملاً در جایگاه ابزاری خود مسخ شده است؛ هرچند با عناوین جذابی همچون فمینیسم، مدعی اصالت و هویت باشد. طبیعی است که در این میان، دیگر چیزی به‌عنوان خانواده باقی نخواهد ماند و رسماً شاهد فروپاشی بنیان خانواده در

بردگان، به کارگری مناسب برای توسعهٔ صنعتی غرب به خدمت مردان قرار گرفت. در گام بعدی، به کالایی جذاب در خدمت رشد و توسعهٔ نظام سرمایه‌داری بدل گردید و به بازار تبلیغات و فروش کالا وارد شد. در این بازار، این زیبایی خدادادی زن، برای پر کردن چشمان افراد هوس‌ران، باید به خدمت گرفته شود و اندامش باید عربیان گردد تا چرخ‌دنده‌های صنعت اقتصادی غرب، با فروش بیشتر و مصرف انبوه کالا، به گردش درآید و جریان تجمیع سرمایه و ثروت شتاب یابد.



«مدلینگ» باهدف تولید روزافزون و متنوع و متکثر «زن جذاب و چشم‌پُرکن»، به‌عنوان یک صنعت، متولد و رشد یافت و برای تبلیغاتِ هزاران هزار کالای مصرفی،

غرب هستیم و روابط جنسی آزاد، جایگزین
خانواده شده است!

حکیم فرزانه انقلاب اسلامی، از این بحران
غرب سرمایه‌داری، چنین یاد می‌کند:
«یکی از مهم‌ترین وظایف زن - اگر نگوئیم
مهم‌ترین وظایف - این است که جلوه‌گری
کند، زیبایی‌های خودش را در معرض التذاذ
مردان قرار دهد. این شده خصوصیت
حتمی و لازم زن! متأسفانه، الآن در دنیا
این جور شده. در رسمی‌ترین مجالس،
مجالس سیاسی، مجالس گوناگون،
مردها باید با شلوار بلند بیایند، باید با
لباس پوشیده بیایند؛ اما زن‌ها هرچه
برهنه‌تر و عریان‌تر بیایند، اشکالی ندارد!
این عادی است؟! این طبیعی است؟!
این یک حرکت بر طبق طبیعت است؟!
آن‌ها این کار را کردند. زن باید خودش را
در معرض دید مرد قرار دهد، برای اینکه
مایه التذاذ مرد شود! ظلمی از این بالاتر؟!
اسم این را گذاشته‌اند «آزادی»، اسم نقطه

مقابلش را گذاشته‌اند «اسارت»! در حالی که
احتجاج زن، حجاب قرار دادن زن برای خود،
تکریم زن است، احترام زن است، ایجاد
حریم برای زن است. این حریم را شکستند
و دارند روزبه‌روز هم بیشتر می‌شکنند.
اسم‌های گوناگون هم رویش می‌گذارند.
اولین یا شاید یکی از اولین آثار سوئی که
این مسئله گذاشت، ویران کردن خانواده
بود. بنیان خانواده سست شد. وقتی
در یک جامعه‌ای خانواده متزلزل شد و از
بین رفت، مفاسد در این جامعه نهادینه
می‌شود. مشکلاتی که امروز در غرب وجود
دارد، این قانون‌های ابلهانه و خبثت‌آمیزی
که این‌ها در زمینه مسائل جنسی دارند
می‌گذرانند، این‌ها را به ته دژه دارد حرکت
می‌دهد. این انحطاط، قابل جلوگیری هم
نیست. این‌ها محکوم به سقوط‌اند. تمدن
غربی، چه بخواهد چه نخواهد، دیگر قادر
نیست جلوی این سقوط را بگیرد. ترمز
این وسیله بریده است، جاده هم به شدت

شوند و با فرهنگ غربی زیست کنند. در این میان، زن به مثابه محور کانون خانواده، مهم‌ترین هدفی است که این هجمه فرهنگی غرب، آن را نشانه گرفته و برای مسخ‌ش، انواع ترفندها و شگردها به کار برده است.

مهم‌ترین ترفندها و شگردها در این باره کدام است؟

«حیازدایی» کلیدواژه محوری است که از خودبیبگانگی زن از هویت انسانی‌اش را هدف قرار داده است. اگر بخواهیم یکی از بنیانی‌ترین تمایزات سبک زندگی اسلامی و غربی را برشماریم، به مقوله حیا و عفاف خواهیم رسید. در سبک زندگی غربی، حیا و عفاف، از عرصه زندگی رخت بر بسته و موجب سست شدن بنیان خانواده شده است. این در حالی است که بنیان سبک زندگی اسلامی، بر حیا و عفاف بنا شده و از درون آن، خانواده به عنوان محورترین نهاد اجتماعی، شکل می‌گیرد.

لغزنده و سراسیب است. این‌ها گناه کردند، آن وقتی که ترمز را بریدند و آمدند خودشان را در لب این پرتگاه قرار دادند؛ لذا محکوم به شکست‌اند.»

به نظر شما مهم‌ترین راهبرد تهاجم فرهنگی

غرب بر زن مسلمان ایرانی چیست؟

شاید بتوان گفت مهم‌ترین راهبرد تهاجم فرهنگی دشمن، جایگزینی سبک زندگی غربی با سبک زندگی اسلامی باشد که دشمنان نظام اسلامی، در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به‌ویژه پس از پایان یافتن جنگ تحمیلی و آغاز دوران سازندگی، دنبال کرده‌اند. زندگی به سبک غربی، الگویی است که گول‌های رسانه‌ای غرب تبلیغش می‌کنند و چندین سال است که با همه توان خود، بر فضای ذهنی فرزندانمان نیز می‌تازند و از آنان می‌خواهند از هویت ملی و تاریخ خود دست بردارند و در جامعه جهانی یک‌رنگ

به فرموده رهبر حکیم انقلاب، «آنچه امروز دستگاه‌های سیاسی غرب ترویج می‌کنند، همان جاهلیتی است که بعثت پیغمبر برای زدودن آن از محیط زندگی بشر به وجود آمد. نشانه‌های همان جاهلیت، امروز در دنیا، در این تمدن رایج فاسد غربی، مشاهده می‌شود؛ همان بی‌عدالتی، همان تبعیض، همان نادیده‌گرفتن کرامت انسان، همان عمده‌کردن مسائل جنسی و نیازهای جنسی. یکی از نشانه‌های جاهلیت اولی، تَبَرُّجِ زنانه است. امروز نیز یکی از عمده‌ترین مظاهر تمدن غربی، همین تبرج است. این همان جاهلیت است؛ منتها جاهلیتی که توانسته است خود را با سلاح تبلیغات مدرن مجهز بکند، حقایق را از چشم مردم بپوشاند.»^۲

سناریوی از خودبیگانگی زن در داخل کشور

چگونه پیش‌رفته است؟

امواج تبلیغ سبک زندگی غربی، امروز در جامعه ایرانی نیز متأسفانه توسط



اصالت لذت و پرورش بی‌حد و حصر شهوت، روح حاکم بر سبک زندگی غربی است؛ به نحوی که حاصلش بی‌بندوباری و فروپاشی اخلاق است. در این سبک زندگی، فرد به جای رعایت حیا و عفاف، به تبرج و خودنمایی و عرضه خود به دیگران باهدف لذت‌جویی و ارضای شهوانی مشغول شده و این همان مسیری است که موجب انحطاط بشر شده است! هرچند عفاف و حیا برای همه اعضای جامعه، اعم از زنان و مردان لازم است، بدون شک، جایگاه زنان در این مقوله محوری‌تر از مردان است. از این روست که زنان و دختران این سرزمین، مهم‌ترین گروه هدف سناریوی حیازدایی دشمنان در راهبرد کلان تهاجم فرهنگی، تعریف شده‌اند.

غرب‌زدگانی که دچار خودبیگانگی و مروج فرهنگ غرب شده‌اند، بازتولید می‌شود. راه‌اندازی کمپین «چهارشنبه‌های سفید»، «دختر خیابان انقلاب» و طرح ادعای مخالفت با حجاب اجباری، از تحرکاتی است که در این سال‌ها باهدف ترویج سبک زندگی غربی دنبال شده است. متأسفانه، جریان‌های سیاسی استحال شده نیز سالیان متمادی است که در این میدان به بازیگری برای شکست تابوی حیا و عفاف زنان جامعه ایرانی مشغول‌اند. برای نمونه، سال‌های پیش و دقیق یک سال پس از فتنه ۸۸، مصطفی تاج‌زاده، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، با انتشار نوشتاری، اقدام نظام اسلامی در مقابله با بی‌حجابی را «یکسان کردن پوشش زنان» خواند که «چه با تبلیغ و کار فرهنگی و چه با اجبار، ممکن نخواهد شد!» وی در بخشی از این نوشتار، ضمن نقد اظهارات منتقدان که از «اباحه‌گری» جریان «دوم خرداد» درقبال مسئله حجاب و ترویج سبک زندگی سکولار، انتقاد کرده بودند، به دفاع از بی‌حجابی و ضرورت به رسمیت شمردن آن در ایران اسلامی پرداخت و برای اثبات ادعای خود، کشور لائیک ترکیه را شاهد مثال آورد و درنهایت مدعی شد: «جامعه‌پادگان نیست که بتواند به تن همه، اونیفورم واحد پوشانند!»^۱

در ماجرای فتنه پاییزی سال گذشته نیز این ترویج بی‌حجابی با شدت بیشتری دنبال شد و کشف حجاب‌های خیابانی که گاهی با برهنگی و عریانی همراه بود، آخرین حربه دشمنان فرهنگ این سرزمین برای نابود کردن دختران وطن بوده است که باید در برابر آن هوشیار بود.

پی‌نوشت

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام در جمع مداحان: ۹۲/۲/۱۱.
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلام: ۶/۳/۱۳۹۳.
۳. پایگاه اطلاع رسانی مشرق نیوز: <https://mshrg.h.ir/26685>



دیرخانہ رصد حوزه های علمیہ برگزار می کند

نظر سنجی ماہنامه خانوادہ مبلغان

با شکرک در این نظر سنجی ما را در رسیدن به اهداف بالاتر یاری نمایند

<https://hrasad.ir/khanevadeh-1402/> لینک نظر سنجی ←

